

متن سخنرانی دبیر اول کمیته مرکزی سازمان در گردهمایی ۱۷۸ حزب و سازمان کمونیست و ترقیخواه در مسکو



دوشنبه ۲۹ آذر ۱۳۶۶ برابر ۲۰ نوامبر ۱۹۸۷
بها ۸۰ ریال - سال چهارم - شماره ۱۸۵

شرکت کننده، به سخنرانی پرداختند. آلوارو کونیال دبیر کل حزب کمونیست پرتغال، اریش هونکر دبیر کل کمیته مرکزی حزب سوسیالیست متحد آلمان، کاس مال دبیر کل حزب کمونیست ایالات متحده آمریکا، ویتسیخ یاروزلسکی دبیر اول کمیته مرکزی حزب متحد کارگری لهستان، دانیل اورتگا همامنک کننده کمیسیون اجرایی رهبری ملی بیهه ساندینیست، ژرژ مارش دبیر کل حزب کمونیست بقیه در صفحه ۲

همانگونه که در شماره ۱۸۲ نشریه گزارش کردیم، به مناسبت هفتادمین سالگرد انقلاب اکتبر در روزهای ۴ و ۵ نوامبر، گردهمایی بزرگی با حضور نمایندگان احزاب و سازمانهای کمونیستی و کارگری، سوسیالیست، سوسیال دمکرات و جنبشهای رهاییبخش در مسکو برگزار گردید. در این گردهمایی که نمایندگانی از سازمان ما و حزب توده ایران نیز در آن حضور داشتند، به دنبال سخنرانی رفیق میخائیل کارباچف، ۶۳ تن از رهبران و نمایندگان

اعزام اجباری دانشجویان به قتلگاه

شوند. این جان کلام است. هرگاه رژیم در گریز از بن بست جنگ، کشتارهای وسیع را تدارک می بیند، سهم ویژه ای را نیز به دانشجویان به عنوان "گروشت دم توپ" اعطا می کند. دو روز پس از اظهارات خامنه ای، دکتر فرهادی وزیر فرهنگ و آموزش عالی در یک گفتگوی مطبوعاتی که متن آن در کیهان ۲۸ آبان درج شد، گفت: "دانشجویان دانشگاهها و موسسات آموزش عالی بر اساس مصوبه شورای عالی پشتیبانی جنگ در نیمه دوم دوران تحصیل به مدت شش ماه در جبهه های حق علیه باطل حضور می یابند." وی در ادامه افزود: "ضمن آن خدمات دانشجویان دختر در پشت جبهه ها استفاده می شود که جزئیات آن تحت بررسی است که بقیه در صفحه ۲

در پی دستورالعمل ۱۰ ماده ای "شورای عالی پشتیبانی جنگ" که با تکیه بر فرمان جنون آمیز خمینی مبنی بر لزوم شرکت "همه اقشار کشور" در جنگ صادر گردید، بخش عظیمی از نیروی رژیم متوجه اعزام اجباری جوانان و از جمله دانشجویان به قتلگاه جبهه شده است. روز دوشنبه ۲۶ آبان خامنه ای رئیس جمهور در پایان جلسه شورای عالی پشتیبانی جنگ در پاسخ به سئوالی پیرامون دانشجویان و جنگ اظهار داشت: "دانشجویان به جبهه ها بروند و به تناوب در این محل حاضر داشته باشند و تکلیف این است که نامنویسی کنند و منتظر نوبت عزیمت به جبهه باشند... دانشجویان به تناوب در جبهه ها حضور داشته باشند." و در واقع به تناوب کشته

بسیج اخاذی، نماد فلاکت رژیم

بسیج ره به جایی نبرد. خوراک تبلیغاتی تازه نتوانست برای جبهه ها خوراک تازه ای فراهم کند و از همین رو بود که رفسنجانی گفت این بسیج، آنقدرها هم بسیج نیست و هنوز فرمان بسیج صادر نشده است! آنچه که در پس پرده دود تبلیغات جنگی به عینه جلب نظر می کند ورشکستگی جمهوری اسلامی است. جمهوری اسلامی درمانده گشته است و بر آن سراسر است که به خاطر تداوم جنگ، هست و نیست کشور را به توبره بکشد. یک رکن عمده بسیج تازه، بسیج اخاذی است. اختصاص بخش اعظم بودجه به هزینه های جنگی، رساندن قوت لایموت مردم به حداقل ممکن، گران کردن مداوم اجناس، چاپ بی رویه اسکناس و دامن زدن به تورم، قطع کامل پروژه های عمرانی، تخته کردن در کارخانه ها و بستن مالیاتهای کمر شکن بر کالاها و خدمات قادر نکشته اند از پس مخارج عظیم ماشین بقیه در صفحه ۸

در هفته گذشته نیز تبلیغات جمهوری اسلامی پیرامون بسیج اعلام شده از سوی "شورای عالی پشتیبانی جنگ" و فرمان خمینی در این زمینه، ادامه یافت. مقامات حکومتی به استانهای مختلف سفر کردند تا بر شدت تبلیغات بیفزایند: رفسنجانی به خراسان رفت، موسوی اردبیلی به مازندران و میرحسین موسوی به کیکیلویه. همه نهادهای ریز و درشت حکومتی اعلامیه صادر کردند. حوزه های علمیه، سران بازار و انجمن های اسلامی مختلف فریاد "لیک یا خمینی" سردادند. فورا برای کارخانه ها، ادارات و دانشگاهها سهمیه "جهادچانی" مقرر شد. همه باید طبق نوبت از پیش تعیین شده به جبهه بروند. دانشگاهها در آستانه تعطیلی کامل قرار گرفتند. مسئول بسیج از مانور ۶۰۰ هزار نفره سخن گفت. فشار بر دانش آموزان برای ثبت نام در بسیج بالا گرفت و بر شدت بگیر و ببند، برای جلب مشمولان خدمت اجباری، افزوده شد.

۱۰۳ سازمان جوانان و دانشجویان از سراسر جهان جنگ و اختناق در ایران و عراق را محکوم کردند

در صفحه آخر

گزارشی از بازگشت رهبران حزب کمونیست متحد ترکیه به میهن و دستگیری آنها: «آما ده باش»، «در آنکارا»

در صفحه ۶



پلیس، کوتلو و سارگین را در پای پلکان هواپیما دستگیر کرده و به درون مینی بوس هل داده است.

در این شماره

یازدهمین گنگره

«اتحادیه بین المللی دانشجویان»
در هاوانا برگزار شد

در صفحه ۳

رنجی از رنج های بیکران مردم

در صفحه ۸

مسئله حجاب در اتوبوسهای عازم ترکیه

در صفحه ۷

گزارشی از موقعیت زنان در بنگلادش

در صفحه ۹

متن سخنرانی دبیر اول کمیته مرکزی سازمان در گردهمایی ۱۷۸ حزب و سازمان کمونیست و ترقیخواه در مسکو

بقیه از صفحه اول

فرانسه، دکتر محمد نجیب الله دبیر کل کمیته مرکزی حزب دمکراتیک خلق افغانستان، گوستاو موساک دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست چکسلواکی، تئودور ژبوکف دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست بلغارستان، شفیق خورخه هندل عضو کمیته اجرایی جبهه فارابوند و مارتی در السالوادور، سام نجوما رهبر سوابو-نامیبیا، مئیر ویلنر دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اسرائیل و ... از جمله سخنرانان این گردهمایی عظیم بودند.

از سوی سازمان ما، رفیق فرخ نگهدار، دبیر اول کمیته مرکزی در گردهمایی مسکو شرکت داشت. متن سخنرانی رفیق نگهدار در این اجلاس که در شماره یازدهم نوامبر روزنامه یراودا نیز درج شده است، به قرار زیر است:

رفیق میخائیل سرگئیویچ کارباچف رئیس دوشان گرامی

در دیدار ما نمایندگان ۱۷۸ حزب و جنبش سیاسی از پنج قاره برای تبادل نظر آزاد پیرامون مسائلی که گفتگو درباره آنها را ضرور می‌شمارند، گرد آمده‌اند. برگزاری این دیدار در پرتو ابتکار شجاعانه و پیرامیتی که حزب کمونیست اتحاد شوروی از خود نشان داده است، امکان پذیر گردید. سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) از حزب کمونیست اتحاد شوروی و رفیق میخائیل سرگئیویچ کارباچف بخاطر این ابتکار و کار بزرگ انجام شده، قدردانی به عمل می‌آورد.

این دیدار بخاطر طیف گسترده شرکت کنندگان و گونه گونی نظرات بیان شده، دیداری متمایز است. آشکارا برای نخستین بار است که در سطحی چنین وسیع، نمایندگان احزاب و سازمانهای سیاسی کشورهای مختلف جهان در پشت یک میز گرد آمده‌اند. این نمایندگان را یک امر مشترک، امر دفاع از صلح، با یکدیگر متحد می‌سازد. همه این نمایندگان بخاطر حل مهمترین مسائل زندگی که در برابر زحمتکشان کشورهاشان قرار دارد مبارزه می‌کنند. این نکته که نمایندگان درباره بسیاری از مسائل برخورد متفاوتی دارند، مانع از تبادل نظر نیست. شرکت کنندگان در این دیدار، مدافعان حفظ صلح، نجات بشریت از فاجعه هسته‌ای و حفظ محیط زیست، براندازی تبعیض نژادی، تأمین حقوق بشر و برقراری نظم نوین و عادلانه اقتصادی هستند. در راه دستیابی به وحدت نظر بر سر این مسائل مهم گامهای محسوس نوینی برداشته شده است. ما تصور می‌کنیم که همکاری برای حل این مسائل نه تنها امکان پذیر، بلکه ضروری است.

روح دمکراتیسم از ویژگیهای این دیدار است. هر کس می‌تواند همانگونه که لازم می‌داند، اظهار نظر کند و با صراحت نقطه نظر خود را بپایان دارد. جلسات در فضایی سرشار از آرامش، اعتماد و صمیمیت برگزار می‌گردد.

ما فدائیان خلق ایران به دیدار کنونی درود می‌فرستیم، دیداری که امکان تجربه اندوختن سودمند برای پیکار انقلابی را فراهم می‌سازد. خلق ایران تجربه‌های انقلاب فوریه سال ۱۹۷۹ (بهمن ۱۳۵۷) را در اختیار دارد. این تجربه‌ها می‌تواند هم برای کشورهای در حال توسعه که با مسئله رشد سریع اقتصاد وابسته سرمایه‌داری، با همه خصلتهای منفی مختص آن رو برو هستند و هم برای کورهای که

خواهان صلح نیستند. ما بر آنیم که برای تأمین صلح در نقاط داغ سیاره، راه دیگری جز دستیابی به توافق بر سر آنکه همه طرفین درگیر در جنگ ایران و عراق، در افغانستان، و نیز طرفین درگیر در حل مسئله فلسطین در پشت میز مذاکره بنشینند و تلاش ورزند اختلافهای خود را از طریق سیاسی حل کنند، وجود ندارد. همین مشی توسط نیروهای ترقی‌خواه، برای آمریکای مرکزی، جنوب شرقی آسیا و دیگر مناطق پیشنهاد گردیده است. ما از این مشی پشتیبانی می‌کنیم.

امروزه کشور ما، ایران، دوران دشواری را از سر می‌گذرانند. نگاه تمام بشریت متوجه کشور ماست. بحران در خلیج فارس، که پیش از هر چیز، سیاست رژیم حاکم بر ایران به آن یاری می‌رساند، بسیار حاد شده است. سالیانست که رژیم ایران، جنگ را بر خلاف اراده مردم ادامه می‌دهد. این سیاست به دستاویزی برای پنتاگون تبدیل شده است، تا ناوهای جنگی خود را روانه خلیج فارس سازد و عملاً این منطقه را اشغال کند. ما فدائیان خلق ایران، مردم سراسر جهان را فرا می‌خوانیم که از راههای صلح آمیز، رژیم حاکم بر ایران را تحت فشار قرار دهند تا ناگزیر گردد قطع نامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد را بپذیرد. ما حضور نظامی امپریالیسم آمریکا در منطقه خلیج فارس را قاطعانه محکوم می‌کنیم. نیروهای مسلح دولتهای غیر ساحلی باید از خلیج فارس خارج گردند. در صورت لزوم، نیروهای سازمان ملل متحد می‌توانند آزادی کشتیرانی در این منطقه را تأمین کنند. در این زمینه، پیشنهاد های اتحاد شوروی منطقی و خردمندانه است.

رفقا و دوستان گرامی!

خلق های ایران، تنها از سختی های جنگ رنج نمی‌برند. در سالهای اخیر، در زندانهای ایران هزاران زندانی سیاسی به جوخه های آتش سپرده شده اند، زندگی هزاران زندانی دیگر در خطر است. تنها در تاجیکستان و پانژ سال ۱۹۸۶ بیش از هزار تن از اعضای سازمان ما دستگیر شده، در معرض سرکوب خشونت آمیز و شکنجه قرار گرفته اند. در ماههای اخیر، دهها تن اعدام شده اند. رژیمی چنین خودکامه و سرکوبگر، در هیچ کشور دیگری وجود ندارد. مردم ایران، شما نیروهای صلح دوست و دمکراتیک را فرا می‌خوانند که دیکتاتوری خونین روحانیت در کشور ما را محکوم کنید. ما، فدائیان خلق، از شما می‌طلبیم که از زندگی رفقای در بند ما و همه زندانیان سیاسی دفاع کنید، بگذار اعتراض و اقدامات شما مانع از ریختن خون کسانی گردد که از صلح و آزادی دفاع می‌کنند.

ما فدائیان خلق ایران، از حزب کمونیست اتحاد شوروی و خلق شوروی بخاطر میهمان نوازی و برگزاری این دیدار که چنین موفقیت آمیز صورت گرفت، صمیمانه سپاسگزاریم. یکبار دیگر به حزب کمونیست اتحاد شوروی و خلق شوروی هفتاد سالگی انقلاب اکتبر را شادباش می‌گوئیم و کامیابی همه شما را در مبارزه بخاطر صلح و ترقی و تأمین منافع زحمتکشان آرزو مندیم.

دارای جنبشهای مذهبی - کاستی روحانیون هستند، سودمند باشد. ما ضمن دفاع از صلح، دمکراسی، استقلال و پیشرفت به سوی سوسیالیسم، برای تبادل تجربه ارزش فراوان قائلیم و به آن درود می‌فرستیم. بسیاری، در این دیدار درباره پیدایش نکات نوین، هم در جهان سوسیالیستی و هم در جهان سرمایه‌داری، سخن راندند. جهان امروز دگرگون می‌شود. ما موافق یافتن پاسخ برای پرسشهایی هستیم که همبای رشد اجتماعی مطرح می‌شود. ما تلاشهایی را در چارچوب های ملی ضروری می‌دانیم. به نظر ما چنین دیدارها و ابتکارات به این امر یاری می‌رساند.

رفقا و دوستان گرامی!

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) از روند انقلابی دگرگون سازی، که در اتحاد شوروی جریان دارد، رونیدی که پاسخ گوی نیازهای زمان است و به امر چیرگی بر دشواریهای موجود بر سر راه رشد سوسیالیسم نیز یاری می‌رساند، بگونه ای پر شور دفاع می‌کند. شتابان سازی رشد اقتصادی، گسترش بیشتر دمکراسی، علنیت، انتقاد و انتقاد از خود - همه و همه عوامل تحکیم و تکامل سوسیالیسم بشمار می‌رود. شاید امروز هنوز همه جوانب روندهایی که در اتحاد شوروی می‌گذرد، آشکار نگشته باشد، ولی سیاست مبتکرانه صلح دوستانه اتحاد شوروی که ایالات متحده را ناگزیر ساخت تا در راه دستیابی به توافق بر سر از بین بردن انواع معینی از موشکها گامی بردارد، سبب بوجود آمدن خوش بینی و اطمینان به پیروزی و دگرگون سازی می‌شود، که ما آنرا همانند پیروزی خود می‌دانیم. دگرگون سازی، سوسیالیسم را توانمندتر، اقتصاد آنرا شکوفا تر و حیثیت و اعتبارش را به سطحی عالی تر ارتقا می‌دهد.

اینک به ذکر نکاتی درباره جنگ ایران و عراق، مسئله فلسطین، و اوضاع ایران می‌پردازیم. در هریک از این زمینه ها، رویارویی نیروهای واپسگرا و ترقیخواه چهره نمایی می‌کند. ما خواهان پایان بخشیدن هر چه زودتر به جنگ ایران و عراق و جنگ برادر کشی در افغانستان هستیم و پشتیبانی خویش را از سیاست آشتی ملی که از سوی حزب دمکراتیک خلق افغانستان پیشنهاد گردیده و یگانه راه برای دفاع از انقلاب آوریل است، اعلام می‌داریم. در مورد مسئله فلسطین، ما از پیشنهاد اتحاد شوروی پیرامون تشکیل کنفرانس بین المللی خاور نزدیک پشتیبانی می‌کنیم. امپریالیسم آمریکا و متحدان واپسگرای آن مخالف برقراری صلح در ایران و در منطقه خلیج فارس، در فلسطین و منطقه عربی، و در افغانستان و پیرامون آن هستند. آنها در عمل نشان می‌دهند که

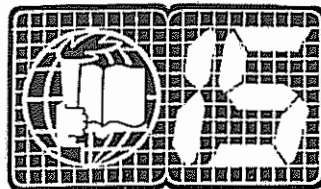
ایران با استفاده از فرصت اجتماع نمایندگان سازمان‌های دانشجویی از سراسر جهان بایرخی از این هیات‌های نمایندگی دیدارهای دو جانبه و چند جانبه داشت و مایل موردعلاقه و مشترک طی این دیدارها با دقت و تفصیل بیشتری مورد بحث و بررسی قرار گرفت و پیام دوستی و همبستگی دانشجویان ترقی‌خواه و رزمنده کشورمان به دانشجویان دیگر کشورها تقدیم گشته و متقابلاً پیام‌های همبستگی رزمجویانه نمایندگان این سازمان‌ها به سازمان دانشجویان پیشنام ایران دریافت گشت.

همچنین، درکنار پانزدهمین کنگره اتحادیه بین‌المللی دانشجویان دوکنفرانس دیگر نیز تشکیل شد که عبارت بودند از کنفرانس نمایندگان سازمان‌ها و تشکلهای دانش‌آموزان دبیرستان و کنفرانس بین‌المللی دانشجویان. نمایندگی سازمان پیشگام در هر دو کنفرانس مربور نیز شرکت کرد. کنفرانس اولیه نقش و وظایف دانش‌آموزان دبیرستان‌ها اختصاص داشته و موضوع کنفرانس جهانی دانشجویی را "پیام‌وریم برای آینده‌ای بهتر، با هم تلاش ورزیم" تشکیل می‌داد که به مسایلی چون خطر جنگ هسته‌ای، عدالت و آزادی دموکراسی، شکاف میان فقر و ثروت و پیاده‌های سیاسی و اخلاقی آن، انسان و طبیعت، شخصیت و هویت انسان، روابط میان پیشرفت تکنولوژی و آهنگ تکامل تعلیم و تربیت پرداخت. دراین دوکنفرانس نیز بیانیه‌های ویژه‌ای به تصویب رسید و انتشار یافت.

رفیق فیدل کاسترو در آخرین اجلاس کنفرانس جهانی دانشجویان شرکت جست و در محیطی گرم و صمیمی و بسیار آموزنده نزدیک به سه ساعت و نیم به سؤالات نمایندگان پاسخ گفت و با آنان به گفتگو پرداخت و بدین ترتیب آخرین شب اقامت نمایندگان در هاوانا را با خاطره‌های فراموش نشدنی قرین ساخت.

از دیگر رویدادهای کناری کنگره مسافرت هیات‌های نمایندگی به یلایاکیرون، محل حمله مزدوران آمریکایی به "خلیج خوک‌ها" و دیدار آموزه یادبود این واقعه و همچنین سفر نمایندگان به "جزیره جوانان" در کوبا بود.

کنگره پانزدهم اتحادیه بین‌المللی دانشجویان جلوه‌ای از اتفاق نظر کامل و وسیع‌ترین محافل دانشجویی جهان که بانظرات و اندیشه‌های گوناگون برای حل‌مسایل مشترک گرد هم جمع شده بودند در راه حل این مسایل بود.



پانزدهمین کنگره

«اتحادیه بین‌المللی دانشجویان»، در هاوانا برگزار شد

حل و تبادل اطلاعات، درقبال مسایل حاد جهانی و منطقه‌ای و طرح و جلب توجه دیگر نمایندگان به مسایل ویژه نبرد انقلابی جوانان و دانشجویان کشورمان برای دستیابی به صلح، آزادی و حقوق خویش کوشا باشد. همچنین نمایندگی سازمان دانشجویان پیشگام

به ثبت رسید. نمایندگی سازمان دانشجویان پیشگام که در این کنگره شرکت داشت با شرکت در نشست‌های عمومی کنگره و برخی از کمیسیون‌ها و ایراد سخنرانی در آن‌ها کوشید به هم خود در مفکری و مشاورت بین‌المللی برای ارائه راه

پانزدهمین کنگره اتحادیه بین‌المللی دانشجویان طی روزهای شانزدهم تا نوزدهم نوامبر ۱۹۸۷ در هاوانا پایتخت کوبا برگزار شد. این کنگره با شرکت نمایندگان ۹۲ سازمان دانشجویی عضو، ۹۱ ناظر، ۲۶ هیات نمایندگی از سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای، ۲ هیات نمایندگی میهمان و بالاخره ۶ هیات نمایندگی دیگر از مجموعاً ۱۲۷ کشور جهان به‌دنبال مراسم رسمی گشایش آن در دانشگاه هاوانا آغاز به کار کرد و پس از ارائه گزارش هیات اجرایی و نطق‌های هیات‌های نمایندگی مختلف طی هشت اجلاس مکانی و تشکیل ۵ کمیسیون منطقه‌ای، ۶ کمیسیون موضوعی، ۴ کمیسیون اجرایی و ۲ کمیسیون بحث و دریافت چندین پیام از جمله از میخائیل گارباجف دبیر کل حزب کمونیست اتحاد شوروی، خاویر پرز دو کوئیار دبیر کل سازمان ملل متحد، و سازمان یونسکو و بسیاری رهبران احزاب و کشورهای مختلف و شخصیت‌های بین‌المللی با تصویب متن جدید اسناد اتحادیه و ۴۲ سندسیاسی و برنامه‌ای به اتفاق کامل آراء، به کار خود پایان داد.

پنج کمیسیون منطقه‌ای عبارت بود از کمیسیون آفریقا، اروپا و آمریکای شمالی و دیگر کشورهای پیشرفته صنعتی، آمریکای لاتین و منطقه کارائیب، آسیا و اقیانوس آرام، و بالاخره خاورمیانه و منطقه عربی. شش کمیسیون موضوعی شامل نقش دانشجویان در حل‌مسایل جهانی، حقوق دانشجویان، اقدامات دانشجویان برای صلح و خلع سلاح، نقش دانشجویان برای توسعه و علیه بحران اقتصادی جهانی، همبستگی دانشجویی، تعلیم و تربیت بود. چهار کمیسیون اجرایی را کمیسیون‌های مربوط به زنان جوان و دانشجویان دختر، همکاری اتحادیه با سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی و منطقه‌ای، جنبش بین‌المللی فستیوال جوانان و دانشجویان و بالاخره کار مطبوعاتی دانشجویی تشکیل می‌داد. سه کمیسیون بحث حول موضوعات معاوضه و جهانگردی دانشجویان، ورزش و تربیت بدنی دانشجویان و بالاخره فرهنگ دانشجویی تشکیل شد. در میان قطعه‌نامه‌ها برخی به مسایل تشکیلاتی و اجرایی خود اتحادیه و برخی دیگر به مسایل سیاسی ملی، منطقه‌ای و جهانی اختصاص یافتند که از آن میان می‌توان از قطعه‌نامه ویژه‌ای در رابطه با جنگ ایران و عراق و منطقه خلیج نام برد که قطعه‌نامه اخیر با شماره ۴۳ در مجموعه اسناد کنگره پانزدهم

اعزام اجباری دانشجویان به قتلگاه

بقیه از صفحه اول

غائب و نیز مقررات وزارت فرهنگ و آموزش عالی در مورد غائبین خواهند بود.

بدین ترتیب دانشجویانی که با این طرح جنایتکارانه مخالفت ورزند نه تنها از دریافت پایان‌نامه تحصیلی محروم خواهد شد بلکه به عنوان غایب محسوب شده و به محض دستگیری روانه پادگانها و سپس قربانگاه جنگ می‌گردند این دانشجویان مجبورند مدت بیشتری را در جبهه بگذرانند.

آنچه در آیین‌نامه ۱۰ ماده‌ای اعزام به جبهه درج شده، گواه روش مخالفت دانشجویان با سیاست‌های جنگ طلبانه رژیم و بیانگر شکست تبلیغات عوام‌فریبانه حکومت فقها در کشاندن دانشجویان به جبهه است.

متعاقباً اعلام خواهد شد. بدنبال این گفته‌ها روز دوم آذرماه معاون امور جنگ وزارت فرهنگ و آموزش عالی نحوه اعزام ۶ ماهه دانشجویان به جبهه‌های جنگ را اعلام کرد. در بندهای ۲ و ۴ یک آیین‌نامه ۱۰ ماده‌ای که بدین سبب انتشار یافت، به ترتیب آمده است: "اعطای هرگونه گواهی دال بر اتمام دوره‌های بالاتر از دیپلم (کاردانی، کارشناسی و کارشناسی ارشد) منوط به انجام خدمت ۶ ماهه مذکور است.

دانشجویانی که در موعد مقرر اعزام، خود را به واحد کار می‌گیرند معرفی نکنند غائب محسوب شده و مشمول مقررات مربوط به سربازان

انتخابات مجلس اسلامی

روز ۱۹ فروردین برگزار می شود

هفته گذشته رسانه های خبری جمهوری اسلامی به نقل از محتشمی وزیر کشور اعلام کردند که انتخابات سومین دوره مجلس روز ۱۹ فروردین ماه سال آینده در سراسر کشور برگزار می شود. به منظور تدارک برنامه انتخابات، فرمانداران سراسر کشور از روز ۱۲ تا ۱۴ آبان در تهران گردم آمدند و پیرامون پیشبرد انتخابات به بحث و بررسی پرداختند. در سومین روز سینار، محتشمی طی سخنانی خطاب به فرمانداران گفت: «ما در هر انتخابات از دو اهم بسیار قوی استفاده می کنیم، یکی اجرای انتخابات و دیگری نظارت بر آن است. مسئولیت اجرایی انتخابات بر عهده وزارت کشور است و نظارت آن در حیطه مسئولیت شورای نگهبان می باشد و هیچ یک از این دو دستگاه حق دخالت در امور یکدیگر ندارند». محتشمی افزود جمهوری اسلامی در مرحله بسیار حساسی قرار دارد و این وضعیت و شرایط استثنایی ایجاب می کند تا در جهت تشکیل مجلس همامتگ از هیچ اقدامی دریغ نشود.

در ادامه سینار، امامی کاشانی عضو سخنگوی شورای نگهبان با اشاره به حق نظارت شورای نگهبان بر جریان انتخابات، به وزیر کشور و فرمانداران وعده داد در صورت «برخورد خطی» اعضای ۵ نفری هیات نظارت بر انتخابات، از ادامه کار آنان جلوگیری کند. کاشانی، هشدار داد که نقش فرمانداران برای شورای نگهبان بسیار پر اهمیت است و آنان نباید در حوزه های انتخاباتی به نفع کاندیدهای چنان خود فعالیت کنند. سخنگوی شورای نگهبان تاکید کرد: «توصیه من این است که خود را داخل این مسیرها و کانالها نکنید که خدای ناکرده بعدا دچار اشکالاتی شوید و مامجهور شویم انتخابات آن حوزه را باطل اعلام کنیم. از طرف دیگر اگر آرای باطل شده بیشتر شود در خارج تبلیغات راه می اندازند و چهره انتخابات را مخدوش می کنند، لذا عملکرد ما باید بلوری باشد که حتی الامکان از باطل شدن آرا جلوگیری کنیم».

پیرامون انتخابات و نحوه فعالیت تبلیغاتی کاندیدها تا کنون دو اطلاعیه از سوی خمینی صادر شده است. خمینی در اطلاعیه دوم خود اعلام کرد که پیش از آغاز ثبت نام کاندیدها که در اسفند ماه است وی بازم مطالبی را تذکر خواهد داد. محتشمی وزیر کشور نیز با استناد به اطلاعیه دوم خمینی از فرمانداران خواست از هم اکنون زمینه های بهره گیری برخی کاندیدها را از منابعی که خمینی به آنها اشاره کرده است، از بین ببرند.

در گهبری در مجلس بر سر سخنرانی

جلال الدین فارسی در نماز جمعه تهران

جلال الدین فارسی عضو شورای انقلاب فرهنگی هفته گذشته سخنران پیش از خطبه های نماز جمعه تهران بود. بنا به اظهار حمیدزاده نماینده بوشین زهرا در مجلس اسلامی، فارسی روز جمعه علیرغم مخالفت دبیرخانه ائمه جمعه تهران، با اطلاع ستاد نماز جمعه پشت تریبون رفت و به سخنرانی پرداخت.

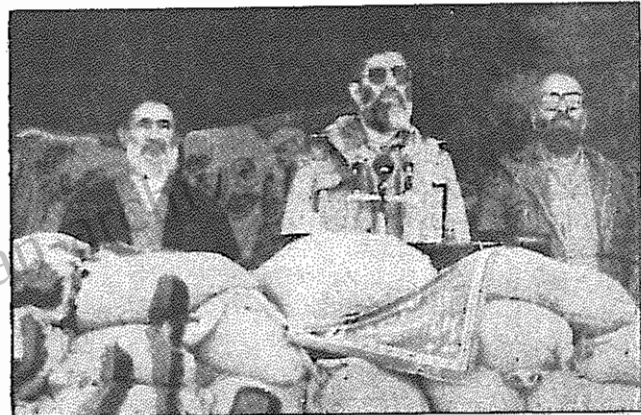
عراق تهدید کرد در صورت ادامه حملات به تهران حمله می کند

وجود آنها بی خبر است و اگر به شرایط خود ادامه دهد، می تواند این سلاحها را بیازماید». همزمان با تشدید درگیری در جبهه ها، مطبوعات غربی گزارش های تازه ای از معاملات پنهانی جمهوری اسلامی با اسرائیل را افشا کردند. خبرگزاری آسوشیپرس گزارش داد اخبار حاکی از آن است که معاملات تسلیحاتی اسرائیل و جمهوری اسلامی بعد از بر ملا شدن آن در جریان ماجرای «ایران گیت»، همچنان ادامه دارد و گفته می شود که دلان اسرائیلی اخیرا نیز موشکهای آمریکایی نوع «تاو»، موشکهای دریایی نوع «گابریل» ساخت اسرائیل و نیز قطعات پدکی جنگنده های فانتوم به مبلغ ۷۵۰ میلیون دلار به جمهوری اسلامی فروخته اند.

روزیکنشبه ۸ آذر رادیو جمهوری اسلامی اعلام کرد که لاریجانی معاون امور بین الملل و اقتصادی وزارت امور خارجه بعنوان نماینده جمهوری اسلامی برای بررسی نحوه اجرای قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت معرفی شد. از طرف عراق طارق عزیز به این سمت برگمارده شده است.

به گزارش مطبوعات دولتی طی هفته گذشته نیروهای جمهوری اسلامی در دو جبهه میانی و شمالی به عملیات نظامی تازه ای دست زدند. عملیاتی که در منطقه «ماوت» در استان سلیمانیه اجراء شد، «نصر ۸» نام گرفت و اعلام گردید که نیروهای رژیم در این عملیات ۲۰ کیلومتر مربع از خاک عراق را اشغال کرده و ۴ هزار تن از عراقی ها را کشته اند. آمار تلفات عراقی ها در عملیات نصر ۸ نیز که در شمال شرقی استان اربیل در منطقه «حاج عمران» صورت گرفت، یک هزار کشته و ۲ هزار زخمی اعلام شد. خبر بمباران زبیدات، عمادیه، دهوک، العماره و چند منطقه دیگر طی هفته بر آمار فتوحات نظامی افزوده شد و روز جمعه هاشمی رفسنجانی از خبرنگاران خواست که از تصرفات تازه رژیم در مناطق یاد شده دیدن کنند.

سخنگوی وزارت دفاع عراق طی گفتگویی مطبوعاتی، ضمن رد ادعاهای جمهوری اسلامی هشدار داد که اگر ایران اقدامات خود را در جبهه پی گیرد، عراق به تهران حمله خواهد کرد. وی اعلام نمود که «ارتش عراق سلاحهایی در اختیار دارد که تهران از



سران رژیم خمینی برای بسیج و اخاذی هریک راهی دیاری شدند. خامنه ای در سفر روز ۲۶ آبان خود به همدان

راه اندازی سیستم الکترونیک کشتیرانی در خلیج فارس توسط ژاپن

بود. به گفته مقامات ژاپنی دولتهای کویت و بحرین از سیستم ژاپنی ها که با همکاری «آواکهای» آمریکایی به کشتی ها امکان می دهد راههای مطمئن کشتیرانی را بیابند استقبال کرده اند.

در پی آغاز سفر دوره ای «تاکاشی اوهارا» به کشورهای منطقه خلیج، روز یکشنبه اول آذر نیز «تاکاکازو کوراماها» وزیر مشاور در امور خارجه ژاپن در بغداد با طه یاسین رمضان معاون اول صدام حسین دیدار کرد و مناسبات دو جانبه و جنگ ایران و عراق را مورد بررسی گفتگو قرار دادند.

هم اکنون شرکت های نفتی ژاپن به خواست دولت این کشور، معاملات خود را با جمهوری اسلامی متوقف کرده اند. رفسنجانی هفته گذشته طی گفتگو با روزنامه ژاپنی «آسامی» اعلام کرد که جمهوری اسلامی در شرایط فعلی با وجود اینکه می داند نصب دستگاهها و کاراندازی سیستم جدید در خلیج فارس به خواست آمریکا صورت گرفته است اما از سطح روابط موجود با ژاپن راضی است.

روز دوشنبه دوم آذر، ولایتی وزیر امور خارجه در اس یک هیات سیاسی اقتصادی به منظور گفتگو با مقامات ژاپنی وارد توکیو شد. در این سفر، لاریجانی معاون امور بین المللی وزارت امور خارجه، صادق خلخالی نماینده مجلس، مسئولین وزارت نفت و جمعی دیگر از سیاست گزاران جمهوری اسلامی همراه ولایتی بودند. در توکیو هیات اعزامی جمهوری اسلامی با «نوبورو تاکیتا» نخست وزیر، کوراناری وزیر سابق امور خارجه و سایر مقامات ژاپنی دیدار و پیرامون اوضاع خلیج فارس، جنگ ایران و عراق و نقش ژاپن به عنوان رئیس فعلی شورای امنیت سازمان ملل و روابط اقتصادی دو جانبه مذاکره کرد.

روزیکنشبه ولایتی سر راه سفر خود به ژاپن، طی توقف کوتاهی در ابوظبی با راشد عبدالله رئیس امارات متحده عربی دیدار کرد. یک روز پیش از مذاکرات راشد عبدالله ولایتی، دولت ژاپن توسط «تاکاشی اوهارا» فرستاده ویژه خود به منطقه، آمادگی اش را جهت بکارگیری یک سیستم جدید جهت تامین امنیت کشتیرانی در خلیج اعلام کرده

طی یکسال بیش از ۸/۱ میلیون نفر بر جمعیت کشور افزوده شده است

حمل و نقل و ۹/۵ درصد شاغل در مشاغل علمی و فنی و تخصصی هستند. در گروه‌های عمده فعالیت‌های اقتصادی، بخش کشاورزی، صنعت و خدمات، به ترتیب ۲۹/۱، ۲۵/۵، ۴۲ درصد از نیروی فعال را به خود اختصاص داده‌اند. در بخش شهری، ۵/۴ درصد شاغلین در بخش کشاورزی، ۲۹/۸ درصد در صنعت و ۶۰/۵ درصد در بخش خدمات مشغول هستند. این نسبت در روستاها، به ترتیب ۶/۴، ۵۶/۶، ۳۰/۷ و ۲۰ درصد کل شاغلین است.

رئیس مرکز آمار ایران در مورد نحوه مالکیت اشتغال در سطح کشور، با اشاره به اینکه ۶۵ درصد شاغلین کشور در بخش خصوصی، ۲۱ درصد بقیه در بخش دولتی کار می‌کنند، گفت: در جامعه شهری، ۵۲/۱ درصد شاغلین در بخش خصوصی، ۴۲/۹ درصد در بخش عمومی فعال هستند، حال آنکه این نسبت در جامعه روستایی ۷۹/۷ و ۱۷/۱ درصد است.

بر اساس گزارش آماری ۷/۴۱۶ میلیون نفر جمعیت کشور از برق و یازده میلیون و ۶۲۸ هزار نفر از آب لوله‌کشی و ۲۰ میلیون نفر از حمام خانگی محروم هستند.

جمشیدی در این مصاحبه جمعیت کشور را تا همراه سال جاری ۵۱ میلیون و ۷۰۰ هزار نفر اعلام کرد که از این تعداد ۸ میلیون و ۲۰۰ هزار تن در استان تهران زندگی می‌کنند.

جمشیدی رئیس مرکز آمار ایران هفته گذشته طی گفتگویی با خبرنگاران نتایج بررسی یک درصد خانوارها در سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال گذشته را تشریح کرد و گفت بیش از ۴۵ درصد جمعیت کشور را افراد کمتر از ۱۴ سال تشکیل می‌دهند. ۵۱/۵ درصد از جمعیت در گروه سنی ۱۵ تا ۶۴ سال و ۲ درصد نیز در گروه سنی ۶۵ سال به بالا قرار دارند.

رئیس مرکز آمار ایران با توضیح اینکه رشد جمعیت کشور به صورت ناخالص ۳/۹۷ درصد و به صورت خالص بین ۳/۵ تا ۳/۷ درصد است، افزود: میزان مولد در ایران ۲۱/۸ در هزار است که در مناطق شهری و روستایی به ترتیب ارقام ۲۰/۵ و ۲۲/۴ در هزار را به خود اختصاص می‌دهد و با توجه به اینکه نرخ رشد خالص جمعیت جهان، ۱/۶ درصد است، ایران یکی از بالاترین نرخ‌های رشد جمعیت را در جهان داراست.

گزارش ارائه شده از سوی رئیس مرکز آمار ایران حاکی است که در حال حاضر ۴۸ درصد جمعیت ۱۵ سال به بالای کشور بی‌سواد هستند و مجموعاً ۲۴ میلیون نفر از کل جمعیت کشور قادر به خواندن و نوشتن هستند.

در ادامه گزارش در زمینه وضع اشتغال آمده است: گروه فعال کشور، ۱۲ میلیون و ۴۱ هزار نفر می‌باشند که ۳ درصد آنها کشاورز (دامدار، کشاورز ۲۲/۲، درصد شاغل در کارهای صنعتی و

تصویب قانون کار و بخشنامه جدید وزارت کار

نظامی کارگران واحدهای خود، با واحد بسیج مستضعفین سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، همکاری‌های لازم را مبذول دارند. تبصره همین ماده، وزارت کار را ملزم به همکاری با سپاه پاسداران جهت تدوین آئین‌نامه آموزش نظامی کارگران کرده است.

وزیر کار طی گفتگو با مطبوعات با ابراز خشنودی از تصویب قانون کار، اعلام کرد برنامه‌های بعدی وی برای کارگران، ارائه طرح بازنگشتگی زودرس کارگران و "طرح امتیاز کارگران شرکت کننده در جبهه‌های جنگ" است.

روز شنبه ۲۲ آبان آخرین مواد لایحه قانون کار جمهوری اسلامی که از سوی وزارت کار و کمیسیون کارگری مجلس برای چندمین بار جهت تأیید قانونی ارائه شده بود، مورد تصویب مجلس شورای اسلامی قرار گرفت و وزارت کار طبق ماده ۲۰۰ این قانون، مجری آن اعلام شد.

طبق ماده ۱۹۲ این قانون آموزش نظامی کارگران اجباری شده و همکاری کارفرمایان با سپاه تصریح گردیده است. در این ماده آمده است: "کارفرمایان کارخانه‌ها مکلف اند در زمینه آموزش

راه ترقی در جمهوری اسلامی

بخشی از یک نامه

"... مدت‌ها بود که به ده خودمان نرفته بودم. ده ما دارای ۲۰۰۰ نفر جمعیت است و فاصله چندانی با شهر ندارد. در آنجا رسم بر این است که هر کدام از اهالی که به محل برمی‌گردد، دیگران به دیدار او می‌روند. در این میان عده‌ای به دیدار من نمی‌آمدند. بعداً فهمیدم که در جلسه‌ای که عناصر انجمن اسلامی ده ترتیب داده بودند، تصمیم گرفتند که روی من اطلاعاتی کسب کنند. از سال ۶۳ انجمن اسلامی ده به شدت منزوی شده است. در این زمینه یک اتفاق بعنوان نقطه عطفی محسوب می‌شود. قضیه از این قرار بود که یکی از اهالی ده به پسرش می‌گوید که اگر می‌خواهد به جاه و مقامی برسد باید حداقل دو نفر از مخالفین حکومت را طوری لو بدهد که حکم اعدام به آنها بدهند. پسر این شخص در سپاه کار می‌کند. این نصیحت توسط یکی

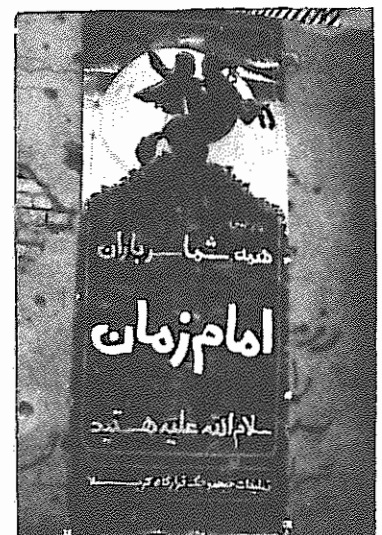
از اهالی محل شنیده می‌شود و اثر ابرای ریش سفیدان ده طرح می‌کند. در یکی از روزها که پاسدار مزبور در مسجد در حال نماز خواندن بود مورد حمله اهالی ده واقع می‌شود. سایر اعضای انجمن اسلامی نیز بی‌نصیب نمی‌مانند. اهالی محل، آنها را از مسجد فراری می‌دهند. از آن پس دیگر تقسیم ارزاق و کوبین‌های ده به دست ریش سفیدان محل افتاد. مهر شورای ده نیز که به "گوشت کوب شورای حکومت" معروف است نیز در دست یکی از این ریش سفیدان است که توسط مردم انتخاب شده است. توزیع کالاها نیز در دست یکی از منتخبین اهالی است. که... "لازم است بگویم که پاسدار یاد شده یا اجرای همان نصایح هم اکنون در وزارت علوم و سنجش صاحب پست و مقامی گشته است."

روز شنبه ۲۰ آبان برخی نمایندگان مجلس شورای اسلامی با اشاره به سخنرانی جلال‌الدین فارسی، اقدام وی و ستاد نماز جمعه را محکوم کردند. حمیدزاده نماینده بوئین‌زهره، فارسی را شخصیتی "پوچ و پوک" خواند که "دل" خمینی را در جریان مک‌فارلین با امضای نامه‌ای به همدستی برخی دیگر از نمایندگان شکسته است. حمیدزاده در این رابطه به سخنان خمینی در آبان ماه سال گذشته اشاره کرد که گفته بود: "دل مرا شکستند، بعضی از اینها را می‌شناسم که هیچند و بعضی دیگر را می‌شناسم که پوچند." نماینده بوئین‌زهره تأکید کرد که ستاد نماز جمعه جلال‌الدین فارسی را درست در سالگرد اظهارات خمینی و افشای روابط جمهوری اسلامی - آمریکا به عنوان سخنران پیش از خطبه دعوت کرده بود.

حمیدزاده با اظهار ناراضی از اقدام ستاد نماز جمعه گفت: "دلیل ندارد که ستاد نماز جمعه تهران کسی را به نماز جمعه دعوت کند که دل امام را شکسته یا از هیچی‌اش یا از پوچی‌اش در رابطه با شکست مک‌فارلین سؤالی را امضا کرده و دردمندانه امام را به سخن گفتن وادار کرده آنهم در شرایطی که از دبیرخانه ائمه جمعه تهران با ستاد نماز جمعه تماس گرفته می‌شود و می‌گویند ما مخالف سخنرانی این سخنرانیم و نباید سخنرانی کند و دل امام بدرد می‌آید."

نماینده بوئین‌زهره در ادامه سخنان خود با اشاره به اینکه تلاش وی روز جمعه برای جلوگیری از سخنرانی فارسی به نتیجه نرسیده، حزب الله را خطاب قرار داد و گفت: "حزب الله تهران بداند ستاد نماز جمعه تهران تخلف کرده" است. در این هنگام پیش از آنکه سخنان وی خاتمه یابد، محمد یزدی نایب رئیس مجلس با تذکرات پی‌درپی که می‌گفت وقت سخنرانی شما مدتی قبل تمام شده، دستور داد بلندگوی تریبون را قطع کنند.

هنر در جمهوری اسلامی



عکس فوق بعنوان یک اثر با ارزش هنری در مقاله‌ای با نام "نقش مهم و با ارزش هنرمندان و متخصصان در پیشبرد برنامه‌ها و اهداف جنگ" در روزنامه اطلاعات پنجشنبه ۲۸ آبان به چاپ رسیده است.

گزارشی از بازگشت رهبران حزب کمونیست ترکیه به میهن و دستگیری آنها:

"آماده باش، در آنکارا"

روزنامه وارهایت، ارگان حزب سوسیالیست متحد برلین غربی، در شماره ۲۱ نوامبر خود گزارش فرستاده ویژه‌اش پترنیکل را که همراه حیدر کوتلو و نیهایت سارکین رهبران حزب کمونیست ترکیه به آنکارا سفر کرده است، به چاپ رساند. در این شماره، گزارش مزبور راجع می‌کنیم.

* * *

هواپیما آرام به سوی منزل یارک خود رفت. مهماندار هواپیمای لوفت‌هانزا به مسافران گوشزد کرد که باید ساعتی خود را یک ساعت به جلو ببرند، و برای همه در آنکارا اقامت مطبوعی آروز کرد. دوشنبه، ۱۶ نوامبر ۱۹۸۷، ساعت ۱۵ و ۳۰ دقیقه به وقت محلی بود. شاید این اعلام، طبعی مثل هر پرواز دیگری داشت، اما هواپیما برای راحل می‌کرد که از مواد منفجره هم فراتر بود. روزنامه "ملیت" همان روز از این بار با عنوان "آماده باش برای ت. ک. پ." خبر داده بود (ت. ک. پ. حروف اختصاری نام حزب کمونیست ترکیه است).

حزب کمونیست ترکیه از ۶۵ سال پیش ممنوع بوده است. اینک حیدر کوتلو دبیرکل حزب از تبعید بازمی‌گشت تا به اتفاق نیهایت سارکین، دبیر کل حزب کارگر ترکیه، حزب متحدی در میهن بنیاد گذارد.

این دو نفر به آرامی در ردیف بیست و نهم هواپیما کنار هم نشستند. کوتلو از برلین غربی و سارکین از بروکل آمده و هر دو در مونیخ به اتفاق هم سوار هواپیمایی که به سمت آنکارا پرواز می‌کرد شدند. آنها تنها نبودند. سیاستمداران، حقوقدانان و روزنامه‌نگاران از همه جای اروپا با این سفر با پایانی نامعلوم، همراهی کردند. در طول دو ساعت و نیم پرواز، حیدر کوتلو و نیهایت سارکین آماج فلاشهای مداوم چندین خبرنگار عکاس همراه خود بودند و به سؤالات خبرنگاران پاسخ می‌دادند. یک سؤال مرتب تکرار می‌شد: "در این لحظه چه احساسی دارید؟" هر دو، مکرراً یک جواب می‌دادند: "خوشحالم که به میهن خود باز می‌گردم."

اما آنهایی که ۶۵ سال است جلوی

دو رهبر کمونیست، باند را ترک می‌کند.

برای هیات، مقابله با واقعیتی آغاز می‌شود که بسیاری، تا پیش از این آن را متعلق به گذشته می‌دانستند. افسر فرمانده پلیس در روی باند قول داده بود که هیات خواهد توانست باردیگر در ساختمان فرودگاه با حیدر کوتلو و نیهایت سارکین صحبت کند، اما چند دقیقه بعد این قول خود را فراموش کرد. قول شرف نماینده رژیم، نمادی از شرف رژیم است. اعضای هیات با عصبانیت، اما همچنان مسلط به خود، شاهد آنند که دوستانشان، حیدر کوتلو و نیهایت سارکین را با چشمان بسته و دستبند به دست در اتومبیل‌های سیاه رنگ می‌برند. اینجا، در آنکارا، همه می‌دانند که در چنین مواردی، افراد را به کجا می‌برند: به مقر اصلی و مخوف پلیس امنیتی، جایی برای تعداد بی‌شماری از ضدفاشیست‌ها که در آن، بسیاری از آنها برای نجات از رنجهای شکنجه، خودکشی کرده‌اند. گروه، با همه بارهای خود مستقیماً به سوی این ساختمان می‌روند. ماموران عصبی رژیم نمی‌دانند چه کنند. نمایندگان پارلمان و حقوقدانان

نامه کمیته مرکزی حزب کمونیست ترکیه به

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت)

کمیته مرکزی حزب کمونیست ترکیه در نامه‌ای به کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) توضیحاتی پیرامون وحدت حزب کمونیست ترکیه و حزب کارگر ترکیه و تشکیل حزب متحد کمونیست ترکیه داده است. این نامه پیش از عزیمت رفقا کوتلو و سارکین به ترکیه نوشته شده و به اعضای حیدر کوتلو دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست ترکیه رسیده است.

در این نامه آمده است: "ما مطابق با مصوبات پنجمین کنفرانس خود در سال ۱۹۸۲، مناسبات خود را با حزب کارگر ترکیه کام به کام گسترش دادیم و امروز بسیار خوشوقتیم که اعلام کنیم این روابط به مرحله وحدت دو حزب تحت نام حزب متحد کمونیست ترکیه رسیده است. به دنبال کار مشترک دو حزب، کارپایه این وحدت، طرح برنامه حزب متحد کمونیست ترکیه تدوین و منتشر شده است. اکنون سازمانهای حزبی ما مشغول بحث درباره این طرح برنامه‌اند. کنفرانس ششم ما که بزودی برگزار خواهد شد امر وحدت را به پایان خواهد رساند."

طرح برنامه حزب متحد کمونیست در نامه مزبور، طرحی مبتنی بر مارکسیسم-لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری اعلام شده است که به مهمترین مسائل دوره کنونی پاسخ می‌دهد، به برخورد‌های نوین سیاسی نظام می‌بخشد و بر نوسازی سمت‌گیری استراتژیک تاکید می‌کند.

هیات خواستار صحبت با مسئول این اداره می‌شوند. در راهروی تاریک و دم کرده این شکنجه‌گاه، گروه توسط نیروهای امنیتی محاصره شده و آماج نگاههای خصمانه است. در این میان صحنه‌هایی می‌بینیم که به این زودیها فراموشان نمی‌شود.

دو پسر بچه کوچک که قطعاً ۹ یا ۱۰ سال بیشتر سن ندارند، دستبند به دست به سوی یک اتومبیل رانده می‌شوند. اگر هم یکی از میان این گروه که از دور دست آمده است تصورات مبهمی درباره آنچه در این ساختمان روی می‌دهد داشت، چنین صحنه‌هایی هر توم را از میان برد. در این فاصله به ما که منتظر بودیم اطلاع دادند که فرد مسئولی که طرف صحبت شود وجود ندارد. اما گروه می‌ماند و خواستار پاسخی در مورد سرنوشت کوتلو و سارکین است. یخشی از هیات، به مقر دادستان می‌رود و آنجا نیز همین رفتار را با آنها می‌کنند. بنظر می‌رسد رژیم می‌خواهد کوتلو و سارکین را در پشت دیواری از سکوت ناپدید کند.

گروه را به آرامی از ساختمان به خیابان می‌رانند. دره بد بوی ماه نوامبر ایستاده‌ایم و نمی‌خواهیم برویم. مرتب به بالا نگاه می‌کنیم. می‌دانیم که در طبقه ششم از زندانیان سیاسی "بازجویی" می‌کنند. کم کم آنهایی که حداقل مسئول راندن ما هستند در می‌یابند که تظاهراتی در برابر مرکز شکنجه خود سازمان داده‌اند. ناآرامی خود را می‌گسترده. تعداد هر چه بیشتری اونیفورم پوش در کنار گروه می‌ایستند، تعدادی "روزنامه‌نگار" به میان گروه می‌آیند. از اسامی روزنامه‌هایشان که می‌پرسم نامهایی را می‌گویند که برای بهترین مطلعین هم ناآشناست. مثل زنجیر به گروه پسیپیده‌اند، نقارت می‌کنند و مراقب هر کام ما هستند. اما گروه به آنکارا نيامده بود که نادیده گرفته شود هدف، عکس این بود.

تنها ساعتی بعد، اعضای هیات پیاده روی جلوی مقر پلیس امنیتی را ترک می‌کنند و به اتاقهای خود در هتل ددمان در مرکز پایتخت ترکیه می‌روند.

روز بعد، هیات در ساعت ۹ صبح در سالن هتل جمع می‌شود. سه شبه است، باز هم مطبوعات ترکیه گزارشهای مربوط به بازگشت حیدر کوتلو و نیهایت سارکین را در صفحه اول خود آورده‌اند. گروه، مصمم است که برای روزنامه‌نگاران ترک بازهم مطالب بیشتر، بسیار بیشتری برای نوشتن فراهم کند. نخستین مقصد این روز، پارلمان است. در ورودی این

رفیق رحیم نامور درگذشت

به عنوان دبیر و نایب رئیس این جمعیت انتخاب شده و روزنامه شهناز را ارگان آن ساخت. وی سال‌های زیادی از حیات سیاسی خود را در زندان و تبعید به سر برد. رفیق نامور عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران و نماینده شورای جهانی صلح بود.

رفیق نامور مترجم و نویسنده‌ای زیر دست بود. از او تالیفات و ترجمه‌های زیادی به جا مانده است. نظیر "زنگ‌ها برای که به صدا درمی‌آید" از ارنست همینگوی، "ده روزی که دنیا را لرزاند" از جان رید، "راه آزادی" از هارولد فاست، "پشردستان زنده پوش" از روبرت ترسالت، "انقلاب آمریکا"، "انقلاب مشروطیت"، "سایه‌های گذشته" و غیره. ●

طبق اطلاع واصله، رفیق رحیم نامور در روز ۱۲ آبان ۱۳۶۶ بر اثر سکه قلبی درگذشت.

رفیق نامور در اردیبهشت سال ۱۳۸۷ در شهر همدان به دنیا آمد. پس از اتمام تحصیلات ابتدایی و متوسطه در آن شهر به تهران آمده و در روزنامه ایران آغاز به کار نمود. وی در این روزنامه کتابی‌لکه در مورد حقوق زنان ترجمه کرده بود به چاپ رساند و سپس به هیأت تحریریه شغل سرخ پیوست.

پس از شهریور ۱۳۲۰ یکی از موسسین حزب میهن پرستان شد و روزنامه شهناز را که دارنده امتیاز آن بود به عنوان ارگان این حزب منتشر ساخت. در اواخر سال ۱۳۲۲ به حزب توده ایران پیوست و پس از تشکیل جمعیت مبارزه ملی با استعمار

مسئله حجاب اسلامی در اتوبوسهای عازم ترکیه

تعاونی‌های ۱۷ گانه اتوبوسرانی هم همان زمان اعلام کرده بود "که می‌تواند یک سندلی در هر اتوبوس با تقبل هزینه از سوی وزارت راه و ترابری به بازرسان این وزارتخانه اختصاص دهد." وزارت راه و ترابری هم اعلام کرده بود که این وزارتخانه نمی‌تواند هزینه تحمیل حجاب اسلامی در خارج از مرزهای کشور را تقبل کند.

اوضاع بر این منوال باقی ماند که مهندسین و متخصصین وزارت راه و ترابری "راه حل قضیه را یافتند و اعلام کردند که این وظیفه و تکلیف کنترل مسافری در خارج از مرزهای کشور، برعهده رانندگان اتوبوس‌ها قرار بگیرد. مهندس مدنی معاون حمل و نقل جاده‌ای وزارت راه و ترابری اعلام کرد: "از نظر ما ساله حل است و هر شرکتی که تعهد بدهد فتنه و فساد در اتوبوس اتفاق نمی‌افتد و در صورت اتفاق افتادن راننده به ما خبر بدهد که چه کسی فساد و یا یا عمل کرد اخلاقی سو" داشته، می‌تواند اتوبوس به ترکیه اعزام کند." اتحادیه تعاونی‌های اتوبوسرانی از جانب رانندگان اتوبوس‌ها اعلام کرد که مسئولیت بازرسی و کنترل مسافری را برعهده نمی‌گیرد. این اظهار نظر باعث آن شد که "راه حل" وزارت راه و ترابری، ناکام بماند. بهر حال تالحتله حاضر هیچ کس حاضر به تقبل "هزینه" حفظ شئون اسلامی در یک متر خارج از مرزهای ایران نیست ●

در جمهوری اسلامی، دعوا و کشمکش محدوده خاصی ندارد، این دعوا بر هر چیز و هر نهادی می‌تواند جاریت یابد. از آن زمره است دعوی چند ماهه وزارت راه و ترابری با اتحادیه تعاونی ۱۷ گانه اتوبوسرانی کشور. موضوع دعوا هم مسائل فنی مربوط به آمد و شد اتوبوس‌ها، زمان حرکت و از این دست مسائل نیست، دعوا بر سر "حجاب اسلامی" و "شئونات خدشه دار شده اسلامی" در خارج از مرزهای کشور است. روزنامه دولتی کیهان در تاریخ ۲۶ آبان‌ماه اعلام کرد که "تا این لحظه" دعوی طرفین بر سر مسئولیت دفاع از شئونات اسلامی در خارج از مرزهای کشور همچنان با قوت سابق جریان دارد و در اثر "لاینتل ماندن" مسئله، در تمام این مدت - ۴/۵ ماه - حتی یک اتوبوس هم به خارج از مرزهای کشور اعزام نشده است. روزنامه کیهان در خصوص این مسئله نوشته است:

اوایل تیرماه سال جاری وزارت راه طی نامه‌ای به اتحادیه تعاونی‌های همدگانه مسافری اعلام کرد که مجوز خروج از کشور به اتوبوسهای آنها داده نخواهد شد. در همان زمان وزارت راه اعلام کرد که "چون اتحادیه در مورد قبول مسئولیت رعایت کلیه شئون اسلامی از مقصد تا مبدأ توسط خود یا شرکت و یا واگذاری یک سندلی برای همراهی یک بازرسان در هر اتوبوس جواب نداده است، این تصمیم را گرفته است." اتحادیه

دادگاه، نصرت دمیرال حضور یافتند. جان بودن در حضور دمیرال هم تصریح کرد که رفتار اعمال شده در مورد حیدر کوتلو و نیهات سارگین مغایر با منشور حقوق بشر است، دمیرال با لحن یادگانی گفت اولاً این دونفر مجرمند و ثانیاً "حقوق" ترکیه بر حقوق بین‌المللی اولویت دارد و بنابراین منشور حقوق بشر نقش درجه دوم دارد. جان بودن مودبان، اما با اصرار منافات موضع دمیرال را با حقوق بین‌الملل به او گوشزد کرد. دمیرال دستور داده دفترش را ترک کنند و آنگاه بدور از چشم دیگران با جان بودن و لوچیاناکاستلینا به گفتگو نشست.

به گفته وکیل بریتانیایی پس از این صحبت، دمیرال در این صحبت از اظهارات قبلی خود عقب نشست. ظاهراً اونیز به آرامی فهمیده بود که با مجرم قلمداد کردن کوتلو و سارگین پیش از هر گونه محاکمه‌ای، آن هم در حضور نمایندگان افکار عمومی جهانی، هر گونه محاکمه‌ای را - اگر هم انجام گیرد - به آنچه واقعاً خواهد بود تبدیل کرده است. یک ضحکه.

دمیرال دادستان، خود را بعنوان مدافع واقعی رهبری دولتش نشان داد. بسیار طول کشید تا او فهمید که چشهای زیادی به آنچه او به نام دولت ترکیه علیه حیدر کوتلو و نیهات سارگین انجام می‌دهد، دوخته شده است. و با هر قدمی که نمایندگان هیأت برداشتند، چشهای بیشتری به رویدادهای آنکارا دوخته شد. در روز بعد باز هم بحث در مورد قانونی کردن حزب کمونیستهای ترکیه در صفحات اول هم روزنامه‌های کشور دیده می‌شد. دیوار سکوتی که از ۶۵ سال پیش به دور حزب کمونیست کشیده بودند، ترک برداشت. اورن رئیس جمهور ناچار شد خود در مورد مسئله صدور اجازه فعالیت حزب کمونیست در ترکیه موضع بگیرد. وی در جایی دور از پایتخت در یک سخنرانی گفت موجودیت حزب کمونیست در آینده قابل تصور است، اما فعلاً هنوز زمان قانونی کردن آن نرسیده است. رهبر کودتاچیان ناچار شد به مانورهای تاکتیکی دست بزند.

اما نمایندگان هیأت بین‌المللی در آنکارا تا کجیک کردند که بر سر حقوق بشر چانه نخواهند زد. آنها خواستار آزادی حیدر کوتلو و نیهات سارگین و قانونی کردن حزب کمونیست شدند. اورن و اوزال دیگر به سختی خواهند توانست خود را پاسداران دموکراسی بنمایانند. موج همبستگی با کمونیستهای ترکیه آغاز شد ●

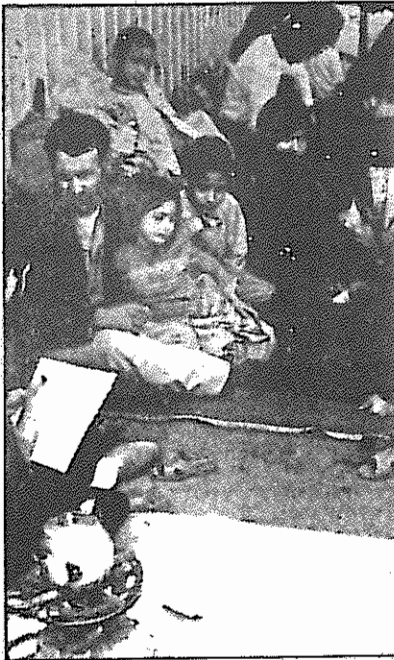
ساختمان که تکلیفاتی تادندان مسلح از آن پاسداری می‌کنند، مذاکرات از طریق تلفن انجام می‌گیرد. رئیس پارلمان با دیداری برای روز بعد موافقت می‌کند. یک موفقیت است، اما این تنها آغاز فعالیت گروه است. باز تصویر معمول. یک کاروان از تاکسی‌ها، از میان ترافیک هرج و مرج گونه آنکارا راه خود را باز می‌کند. این بار به سوی مقر تورکوت اوزال نخست وزیر. این پاسخ که اوزال برای صحبت حضور ندارد، درست است. وی در آن زمان، در میان تعداد زیادی افراد پلیس مخفی در استانبول پنهان بر روی بغاز سفر را افتتاح می‌کرد. اما تا امروز پلی به سوی تمدن نساخته است. سرنوشت دو رهبر حزبی همپنان نا معلوم بود. علیرغم همه معیارهای حقوقی آنها را از حق مشورت با وکیل محروم کرده و می‌کنند.

گروه در کنفرانس مطبوعاتی خود در هتل این رفتار را مغایر با قواعد بنیادین دموکراسی خواند. تنها اشاره شفاهی به این کنفرانس، به هجوم نمایندگان مطبوعات انجامید. گروه ما به موضوع درجه اول در آنکارا تبدیل شده بود. لوچیاناکاستلینا سیاستمدار ایتالیایی در آغاز تأکید کرد وی و ینس پتر بونده همکار دانمارکی‌اش به عنوان اعضای پارلمان اروپا روز بعد در استراسبورگ یک کنفرانس مطبوعاتی بر پا کرده آنچه در اینجا، در آنکارا روی داده است، تشریح خواهند کرد... کلاوس فسکه، نماینده حزب سوسیالیست متحد برلن غربی این سؤال را مطرح کرد که این چه رژیمی است که از بازگشت دو دبیر کل کمونیست تا این حد می‌هراسد و با چنین شبهه‌هایی بقای خود را تضمین می‌کند. جان بودن حقوقدان اهل لندن نشان داد که امضای رژیم ترکیه در پای قرارداد های بین‌المللی تا چه حد ارزش دارد. وی به ماده ۶ منشور حقوق بشر اروپا که ترکیه از امضا کنندگان آن است، اشاره کرد. رفتاری که هم اکنون در مورد حیدر کوتلو و نیهات سارگین معمول می‌دارند، از هر لحاظ مغایر با معیارهای تصریح شده در این منشور است.

گروه برای پی بردن دقیق به نحوه عمل دادستانی تصمیم گرفت در پی کنفرانس مطبوعاتی به مقر رئیس دادگاه امنیت دولتی که یک نهاد ویژه ترکیه است برود. در آغاز نمی‌خواستند همه گروه را راه بدهند. اما بالاخره با اصرار هیأت همه اعضای آن و خبرنگاران در گفتگو با رئیس

دشواری تهیه بلیط مسافرت

رنجی از رنج‌های بیکران مردم

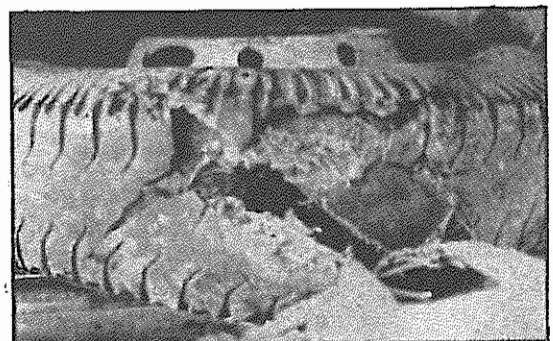


همه اعضای خانواده در آرزوی دریافت چند بلیط، در صف "زندگی" می‌کنند.

"تهیه چند بلیط مگر چند روز معطلی دارد؟ سه روز، چهار روز و یا... مرد زیر لب زمزمه کرد و به آسمان نگاه کرد که ابری و گرفته و تاریک بود. نور زرد رنگ چراغها به کف ترمینال می‌ریخت. نرگه‌بادی می‌وزید که سرد بود... این و آن پاکرد و به گیشه تعاونی‌ها نگاه کرد که بسته بود و صف طولانی مردم، که بلیط می‌خواستند و صف بسته بودند. باخود فکر کرد که دو روز است از بیرون آمده، همراه زن و خواهر و بچه‌هایش بلیط می‌خواهد که به مشهد برود و زیارتی کند اما به هر دری زده پیدا نکرده است. گوشه پتو را که کنار گرفته بود روی بچه‌اش انداخت و لقمه‌نانی به دهان گذاشت. بطرف صف برگشت که حالا بزرگتر شده بود و طولانی سیگاری گیراند و داخل صف شد. از مردی که جلوییش ایستاده بود، پرسید: کجایمی خواهی بروی؟ گفت: مشهد. پرسید: چند روز است که دنبال بلیط می‌آئی؟ گفت: چهار روز و مرد فکر کرد که تنها دو روز است که آمده. پس...؟ سرش را برگرداند و به بچه‌هایش نگاه کرد. همگی خواب بودند." این تصویری است از یکی از نارسایی‌های اجتماعی مردم کشورمان که از روزنامه رسمی کیهان ۲۸ آبان نقل شد.

سخن بر سر بروز مشکلات و نارسایی در متن زندگی توده‌های کشور نیست، چرا که دیرپست که در سایه حکومت خونریز خمینی مشکلات، مصائب و دشواریهای اجتماعی به متن زندگی مردم بدل شده‌اند. مشکلات و نارسایی‌های اجتماعی از زمره

در گوشه و کنار ترمینال‌های مسافری و ایستگاه‌های راه‌آهن، خاصه در تهران، صحنه‌های تکان دهنده‌ای، بازتابگر علق و شدت دردهای اجتماعی مردم کشورند. رفت و آمد که نه، سرگردانی، دیدن و تلاش کردن در محیط ترمینالها حکومت می‌کند. جابه‌جا پتو و یا زیراندازی انداخته‌اند و در صف "زندگی" می‌کنند. گاه چند روز به درازا می‌کشند و همه اعضای خانواده، ناگزیر در صف تهیه بلیط شب را به روز می‌دوزند. وسایل پخت و پز هم در کنار زیراندازشان به راه است. بدین ترتیب است که در صف زندگی می‌کنند. در گزارشی در کیهان در این



"دور ترمینال جنوب یکی از رانندگان در حالیکه لاستیک پاره شده خودش را نشان می‌دهد می‌گوید "ما شش من حدود یک هفته است که خرابیده، زیر لاستیک ندارم. تقاضای لاستیک کردم گفتند با همین لاستیک حرکت کن. شام بپزیند آیا با این لاستیک می‌شود مسافرت کرد."

محدود می‌کند. در اینکه رژیم به همه مسائل زندگی مردم و از جمله همین مسئله نیز کاملاً بی‌توجه است، شکی نیست. ولی آیا این روزنامه دولتی، علت اصلی را به فرمان از قلم نیانداخته است؟ رژیم همه امکانات را در خدمت جنگ گرفته است. اتوبوس‌ها را به خدمت جابجایی قربانیان تازه جنگ درآورده و واین اتوبوسها در آمد و شد خود، "نیروهای تازه نفس" را به جبهه‌های جنگ می‌برند و پیکره‌های خون‌لخته بسته را به "گلزار شهدا" حمل می‌کنند. لوازم یدکی و لاستیک نیز در این راستا، تنها به اتوبوس‌هایی تحویل داده می‌شوند که در "رسالت" خلق مرگ از زندگی شرکت می‌جویند.

بسیج اخاذی...

بقیه از صفحه اول

جنگی برآیند و از همین روست که رژیم اکنون بر شدت اخاذی آشکار افزوده است. بر همین اساس است که بر "جهاد مالی" تاکید ویژه‌ای به عمل می‌آید و مقرر شده است که هر کس که به جبهه نمی‌رود، باید حداقل ۲۰ هزار تومان باج بپردازد. این باج خواهی، اعلام جنگ تازه‌ای علیه مردم است. این جنگ تازه، به پیکار مردم با جنگ و رژیم ابعاد تازه‌ای می‌دهد. بر شدت این پیکار بیفزاییم.

باره آمده است: "تهیه بلیط قطار نیز مستلزم این است که گاه چند شبانه روز در محوطه و یا اطراف راه آهن وقت تلف کنی تا بالاخره پس از مدتی چند بلیط فراهم شود. برخی از مسافران که به قصد عزیمت به شهرهای دورتر مانند مشهد، تبریز و یا... به تهران می‌آیند، اگر کسی ویا پولی نداشته باشند، ناگزیرند با خانواده‌شان چند روزی در محوطه اطراف ایستگاه راه آهن بسر ببرند. البته برخی از این خانواده‌ها از مشکلات تهیه بلیط باخیر هستند، زیرا وسایل پخت و پز و نیز لوازم خواب را هم به همراه خود دارند."

و غم بیمارانی که برای مداوا به تهران می‌آیند از دیگران بدتر است، چرا که حتی اگر بهبود می‌یابند، باز زندگی چند روزه در صف اتوبوس و قطار خود موجد بیماری دیگری می‌تواند باشد. از مردن میلیونها ساعت از زندگی مردم در صف همه روز بلیط اتوبوس و قطار سخن گفتن، توضیح واضح است. اما دشواری تهیه بلیط تنها به اشتلاف وقت محدود نمی‌گردد، بلکه نوعی شکنجه اجتماعی است.

روزنامه کیهان در گزارش خود، علت بروز مشکل آمد و شد در شهرهای کشور را، به محدود ماندن امکانات جابجایی در برابر رشد سریع جمعیت و کمبود وسایل یدکی و بویژه لاستیک

گزارشی از موقعیت زنان در بنگلادش

زنان بنگلادش در مورد موقعیت زنان در این کشور به چاب رسیده است که بخشی از آن را از نظر خوانندگان "اکثریت" می‌گذرانیم.

در شماره ۲ سال جاری فصلنامه "زنان سراسر جهان" نشریه اتحادیه بین‌المللی دمکراتیک زنان، مقاله‌ای به قلم عایشه خاتون، دبیر اتحادیه

برابر حقوقی زن ورشد همه جانبه جامعه متعابلا وابسته به یکدیگرند. زنان نمیتوانند بدون رشد جامعه آزاد شوند، اما از سوی دیگر رشد هم بدون مشارکت فعال زنان ناممکن است... بنگلادش دومین کشور فقیر جهان، همچنان دچار نابسانیها ومیراث فئودالیسم، عقب ماندگی و خرافات است.

بنگلادش در سال ۱۹۷۱ به استقلال دست یافت ویوغ استعمار را به دور افکند. در این مبارزه سه میلیون تن جان خود را از دست دادند. هدف مبارزه، رهایی خلق از زنجیرهایش و یک زندگی سعادت مند برای همه بود. اما پس از سه سال ونیم، در اوت ۱۹۷۵، با نگایاندوشیخ مجیب الرحمن، رهبر پیکار رهایی بخش ما، در توطئه ای که توسط آمریکا طراحی شده بود به قتل رسید و حکومت ترقیبخواه و دمکراتیک اوسرتکون شد. در کشور ما حکومت نظامی برقرار شد.

بدین ترتیب بنیادی ترین حقوق انسانها معوق اعلام شد... بر خوردهای پیوسیده فئودالی به زنان تشدید گشت. اما در این شرایط نیز ما به جنبش خود علیرغم همه موانع ادامه دادیم و فراز ونشیب ها را از سر گذرانیدیم.

همه فعالیت های اقتصادی ونیز سیستم اداری کشور تحت کنترل مرتجعین است. آنها سیاست داخلی و

خارجی را در خدمت منافع خود و اربابان امپریالیست شان تنظیم می کنند. روند دولتی کردن واحدها به عقب برگردانده و مالکیت خصوصی احیا شد. ۸۰ درصد پروژه های توسعه ما با وام های خارجی انجام می گیرد. اما اهداف برنامه ها تقریبا هیچگاه تحقق نمی یابد. درآمد سرانه در سال تقریبا ۹۰ دلار است، در حالی که فشار بهره و اما به ازای هر فرد خود به ۵۴/۹۷ دلار می رسد. بیکاری در میان جوانان تحصیل کرده کشور به رقم ۴۸ درصد رسیده است. از سهم ۱۵ درصد از شاغل که باید در اختیار زنان باشد، یک درصد هم به زنان نمی رسد. حدود ۶۰ درصد کارگران کشاورزی فاقد زمینند. در شرایط چنین بحران اقتصادی، زنان خانواده های کارگری ناچارند نیروی کار خود را به بهای بسیار نا زلی بفروشند. تنها ۲/۵ درصد جمعیت شاغل را زنان تشکیل می دهند. از ۴۰ هزار دانش آموز دبستان تنها یک سوم دخترند. این سهم از کلاس پنجم به بالا نصف می شود. تنها یک هشتم دانش آموزان کشور مارا دختران تشکیل می دهند. از ۳۱ هزار دانشجوی دانشگاه، یک سوم زنان و دختران هستند.

کمتر از ۱ درصد جمعیت در شرایط اجتماعی قابل قبولی زندگی می کنند. ۹۰ درصد باقی مانده، در بدترین

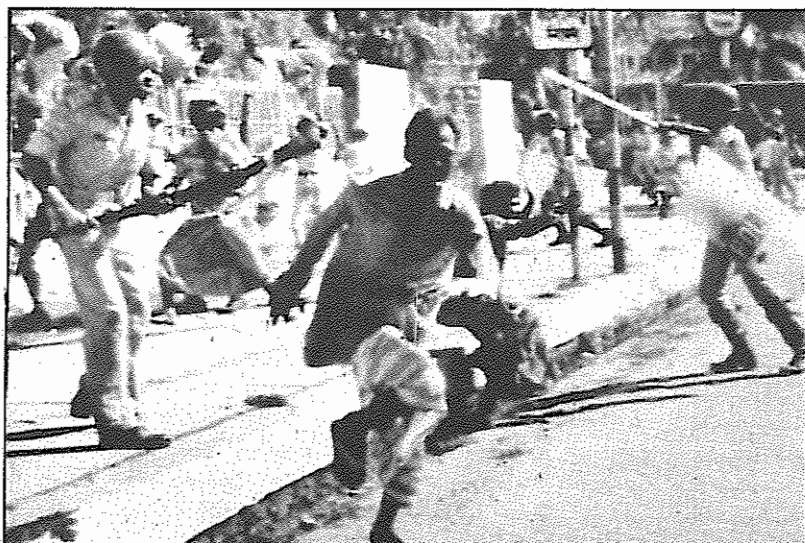
شرایط فقر به سر می برند. زنان متحمل بیشترین رنجند. آنان از امکانات بهبود زندگی خود محرومند، بیش از مردان، یعنی ۱۴ تا ۱۵ ساعت کار می کنند، در ازدواج خوشبخت نیستند، از طلاق های خود سرانه رنج می برند. یک مشکل بزرگ زنان مسائل مربوط به جهیزیه وتنظیم خانواده است. زنان از تامین اجتماعی واقتصادی محرومند و با فقدان امکانات تحصیل و امرار معاش مستقل مواجهند. تولد یک نوزاد پسر راجش می گیرند اما تولد یک دختر نامطلوب است و کسی به آن توجهی نمیکند.

نسبت مردان به زنان ۱۰۸ به ۱۰۰ است. ۹۰ درصد مردم در مناطق روستایی زندگی می کنند. ۹۶/۵ درصد زنان و دختران در سنین ۱۲ تا ۱۷ سالگی به خانه شوهر فرستاده می شوند. ۶۰ درصد آنها تا سی سالگی مادر ۷ فرزند می شوند. رقم مرگ ومیر زنان ونوزادان در هنگام وضع حمل بسیار بالاست. از ۱۰۰۰ نوزاد ۱۵۰ نوزاد هنگام تولد می میرند. ۹۰ درصد آنها قربانی سوء تغذیه می شوند. هر سال به علت کمبود ویتامین آ ۲۰ هزار کودک در سنین ۶ ماهگی تا ۶ سالگی



نابینا می شوند. برای هر ۲۰ هزار نفر تنها یک پزشک وجود دارد. در کشور ما بطور سنتی توجه کمی به وضع زنان و حقوق آنها می شود. عادات اجتماعی وتصورات مذهبی یا فردی درباره زنان، ناقض حقوق آنهاست. در آغاز دهه ۸۰، ستم بر زنان به ابعاد دهشتناکی رسید. زنان در خانواده تحت ستم شوهران یا مادر شوهران خود به سر می برند. زنان راکتک می زنند، می کشند، به آنها اسید می پاشند و تجاوز میکنند، تنها به این علت که از عهده پرداخت میلغ جهیزیه بر نمی آیند. حتی دختران کم سن وسال هم در امان نیستند. شومترین پدیده، طرد زنان مورد تجاوز قرار گرفته است. زنان به خاک سیاه نشسته و مطرود، به شهرها می روند تا امرار معاش کنند، اما بسیاری از آنها به دام سوداگران فحشا می افتند، سراز اماکن فساد در می آورند یا آنها را به خارج "صادر" می کنند.

قوانین تضمین کننده بخشی از حقوق زنان، به علت موضع محافظه کارانه جامعه، فساد در دولت و ناآگاهی فاحش خود زنان اجرا نمی شود...



تشکیل دادگاه ویژه

برای سرکوب جنبش در بنگلادش

همانگونه که در شماره های گذشته نشریه گزارش دادیم، به دعوت دو ائتلاف عمده احزاب اپوزیسیون بنگلادش، در هفته های اخیر تظاهرات مردمی گسترده ای علیه دیکتاتوری ژنرال ارشاد برپا شد. مردم خواستار برکناری ارشاد وانجام انتخابات آزاد و عمومی شدند.

برای سرکوب این جنبش، اکنون دولت ژنرال ارشاد دادگاه ویژه ای برای محاکمه فعالین اپوزیسیون تشکیل داده است. این دادگاه اختیار صدور احکام اعدام را دارد. ژنرال ارشاد اعلام کرده است "تا آخرین قطره خون" برای حفظ قدرت مبارزه خواهد کرد و به پلیس دستور خواهد داد علیه مردم به خشونت بیشتری متوسل شود.

عکس، گوشه ای از حمله پلیس به تظاهرات مردم در داکا پایتخت بنگلادش را نشان می دهد.

مصاحبه "اکثریت" با مسئولین سازمان های پیشرو جوانان ترکیه

بقیه از صفحه آخر

ارکان های متحد توده ای و انتخابی ضد امپریالیست و ضد فاشیست جوانان توانست در بسیاری موارد نقش رهبری را در آن ها تأمین نماید. رقابت درونی موجب انحلال این تشکلهای و شکل گیری سازمان های مختلف سیاسی چپ جوانان و قطعه و قطعه شدن جنبش دانشجویی گشت.

برخی نیروهای جنبش جوانان که معتقد به اتحاد نزدیک میان جنبش جوانان و دانشجویان با جنبش طبقه کارگر کشور بودند و جذب بیشن سویالیسم علمی برای رها ساختن جنبش دانشجویی از ماجراجویی و چپ روی را هدف خود قرار داده و خواهان همبستگی انترناسیونالیستی با جنبش جهانی جوانان و دانشجویان بودند، قادر نشدند سازمان جوانان متحدی برپا سازند. اتحادیه جوانان سویالیست (GSSB) و سازمان جوانان پیشرو (IGD) به ترتیب در سال های ۱۹۷۵ و ابتدای ۱۹۷۶ تشکیل شدند. اتحادیه جوانان سویالیست پس از آن که غیرقانونی اعلام شد به سازمان جوانان پیش روییست. بعداً اتحادیه سویالیستی جوانان (GSSB) و جوانان پیشکام (GSD) شکل گرفتند.

این سال مایی بود که فاشیستی به سرعت بالا می گرفت و گسترش می یافت. طی این سال ها رقابت و خصومت در میان جوانان و دانشجویان دمکرات و ضد فاشیست ادامه یافت، اما از سوی دیگر، گرایش مثبت این سال ها، قدرت گرفتن اندیشه اتحاد با جنبش طبقه کارگر و قرار گرفتن در زیر رهبری سیاسی و ایدئولوژیک این طبقه بود که با کوشش های سازمان جوانان پیشرو، جوانان پیشکام و اتحادیه سویالیستی جوانان رفته رفته به گرایش غالب در جنبش جوانان و دانشجویان تبدیل شد.

کودتای نظامی ۱۲ سپتامبر ۱۹۸۰ دوران تاریک جدیدی در تاریخ جنبش جوانان و تمامی جنبش در کشور ما گشود. همه سازمان های سیاسی جوانان و دیگر سازمان های توده ای دمکراتیک ممنوع اعلام گشته و همه دستاوردهای و حقوق و آزادی ها پایمال شدند. دادگاه های نظامی، بازداشتگاه ها و زندان ها سرریز از جوانان انقلابی و ترقی خواه گشتند. بسیاری در خیابان ها، زیر شکنجه گاه ها

و دخمه های رژیم به هلاکت رسیدند. دانشگاه ها به سربازخانه بدل شدند. بسیاری از نیروهای جنبش جوانان در این شرایط قادر نشدند خود را در زیر این ضربات سنگین حفظ کنند. دو سازمان ما (سازمان جوانان پیش رو و جوانان پیشکام) زیر رهبری دو حزب طبقه کارگر شورمان (حزب کمونیست ترکیه و حزب کارگر ترکیه) در شرایط بهتری قرار داشتند. هر دو شکل کار قانونی و غیر قانونی در این شرایط سخت از سوی این دو سازمان به کار گرفته می شد.

امروز جنبش جوانان و دانشجویان ترکیه در مرحله نویی به سر می برد. این دو سازمان هنوز به سازمان های قانونی و علنی جوانان بدل نشده اند اما طیفی از نیروهای چپ جنبش جوانان در عرصه محیط های علنی مربوط به جوانان ظاهر شده اند، مجله "فردا" که از سال ۱۹۸۱ منتشر می گردد جای مهمی در میان این هسته های علنی دانشجویی به عهده داشته است. در عین حال بخش های پیشتاز و ترقی خواه جنبش دانشجویی ابتکار تشکیل اتحادیه های دانشجویی محلی در دانشگاه ها و دبیرستان ها را در طول سال های اخیر در دست داشتند. یک کمیته کشوری غیر رسمی وجود دارد که هیات تحریریه مجله "پس دانشجو" را انتخاب می کند. دو سازمان مان نقش مهمی در این جنبش دانشجویی بازی کرده و توجه جدی به حفظ وحدت این جنبش و خصلت توده ای این اتحادیه های دانشجویی و محافظت آن ها در برابر حملات حکومت برای انحلال این تشکلهای می نمایند. دو سازمان مادر جهت هدف رسیدن به یک اتحادیه سراسری دانشجویی تلاش می کنند.

چه تحولات برجسته ای در سال های اخیر در فضای سیاسی ترکیه به وقوع پیوسته است؟

وضعیت سیاسی حاضر در ترکیه با مبارزه ای حاد حول آینده رژیم سیاسی ترکیه مشخص می گردد. آیا این رژیم از نوع دمکراسی واقعی به همراه همه قوانین و نهادهای لازم آن و بدون هیچ استثنایی خواهد بود یا رژیم ضد دمکراتیک و دیکتاتوری با ظاهری پارلمانی؟ "حزب وطن" دوم مورد خواست تورکوت اوزال، نیروهای ارتجاعی

نظامی گرا و حامی آنان، امپریالیسم آمریکاست. اما نیروهای سیاسی بسیار گوناگونی هواخواه نوع اول هستند. انتخابات عمومی ۲۹ نوامبر می تواند نقطه عطفی در این مسیر باشد. این انتخابات بدون شک در شرایطی ضد دمکراتیک، سرکوب گرانه و غیر عادلانه انجام می پذیرد. تنها نیروهای سیاسی بورژوازی گوناگون مجاز به شرکت در این انتخابات هستند. ولی حتی در این شرایط نیز با توجه به پشتیبانی توده ای وسیع از دمکراسی این امکان وجود دارد که فراگردی دمکراتیک در کشور آغاز گردد. کلید این امکان همانا اتحاد تمامی اپوزیسیون دمکراتیک است. تحولات کیفی که پس از کودتای ۱۲ سپتامبر ۱۹۸۰ در ترکیه به وقوع پیوسته است به همراه ضرورت های واقعیت های امروزی جهان در خدمت چنین فراگردی است. هیچ نیروی سیاسی در کشور ما به تنهایی نمی تواند سایل ترکیه را حل کند.

ما خواهان یک ائتلاف انتخاباتی میان احزاب دمکراتیک اپوزیسیون هستیم که مجاز به شرکت در انتخابات اند. زیرا به زیر کشیدن حزب وطن برای هر یک از این احزاب به تنهایی (از جمله حزب سویالی دمکرات خلقی، حزب اصلی اپوزیسیون در پارلمان فعلی) بسیار مشکل تر بوده و در عین حال گفتگو و همکاری میان همه نیروهای که علاقه مند به دمکراسی هستند برای تجدید زندگی دمکراتیک، سیاسی و اجتماعی کشور حیاتی است. در شرایط عدم وجود این ائتلاف، ما مردم رابه رای ندادن به حزب وطن و ریختن رای هایشان به نفع احزاب دمکراتیک اپوزیسیون به صندوق ها دعوت می کنیم.

تحول مهمی در آخرین روزهای پیش از انتخابات در ترکیه به وقوع پیوسته است. کمیته های مرکزی حزب کارگر و حزب کمونیست ترکیه تصمیم به اعزام دبیران کل خود به داخل کشور گرفتند تا تدارک لازم برای تشکیل حزب متحد کمونیست ترکیه را به شیوه ای قانونی تعقیب نمایند. حیدر کوتلو دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست ترکیه و نیهات سارکین دبیر کل حزب کارگر ترکیه هنگام ورود به فرودگاه آنکارا در ۱۶

نوامبر دستگیر شدند. این به همبستگی بین المللی وسیع به ویژه در اروپا دامن زد. مثلاً پارلمان اروپا قطعنامه ای را که توسط نیروهای کمونیست و با پشتیبانی نیروهای سویالی دمکرات تنظیم شده بود و خواهان آزادی فوری دو دبیر کل و تضمین حق ثبت حزب متحده کمونیست ترکیه بود به تصویب رساند. این اقدام فوراً منجر به عوض شدن محور مبارزات انتخاباتی که مملو از جروب بحث ها و تاکتیک های معمول بود گشت و بحث ها حول گفتگوی جدی درباره دمکراسی در ترکیه متمرکز گشت.

به علاوه، این تحولات نه تنها دورنمای مثبتی برای جنبش کمونیستی ترکیه تصویر کرده است، بلکه در جهت منافع تمامی جنبش انقلابی چپ و بازگشت مهاجرین سیاسی و آزادی زندانیان سیاسی هست.

فراگرد وحدت میان حزب کمونیست و حزب کارگر ترکیه چگونه پیش رفت و اختلافات به چه شکلی در دو بعد درونی حزبی و میان دو حزب حل شدند و بالاخره جوانان چه نقشی در این فراگرد داشتند؟

تقسیم جنبش طبقه کارگر ترکیه میان حزب کمونیست ترکیه و حزب کارگر ترکیه نه به دلیل انشعابی در آن و نه به دلیل تحول یک جنبش غیر پیروتری به حزب طبقه کارگر بوده است. این تقسیم نتیجه تاریخی شرایط مشخص جنبش طبقه کارگر ترکیه است.

حزب کمونیست ترکیه در اوایل دهه ۵۰ ضربه سختی خورد. اکثریت رهبری و بسیاری از اعضای حزب دستگیر شدند. پس از این رویداد یک دفتر خارجی در خارج از کشور تشکیل شد. سازمان های حزبی داخل کشور که از رهبری جدا شده بودند انسجام خود را از دست دادند. بعداً یک قانون اساسی لیبرالی در ترکیه مسلط شد که آن هم با کودتای نظامی ۱۹۶۰ به پایان رسید. حزب کارگر ترکیه در این دوره توسط برخی رهبران چپ سندیکایی که معتقد به تقویت نقش طبقه کارگر در مبارزه سیاسی و اقتصادی کشور بودند بنیاد گذارده شد. یک گروه از روشنفکران سویالیست، از جمله بهیجه بوران و برخی دیگر گویاسته به



حیدر کوتلو و نیهات سارکین زیر تابوت بهیجه بوران دبیر کل فقید حزب کارگر ترکیه را که ماه گذشته در ترکیه به خاک سپرده شد، گرفته اند. رژیم ترکیه به کوتلو و سارکین اجازه داده بود تنها برای تشییع جنازه بوران سفر کوتاهی به ترکیه داشته باشند.

رسیده بود، برای روزها صفحات روزنامه پر از یاد نامه‌ها از نقاط مختلف ومقالاتی به قلم کمونیست‌های سرشناس شد. این‌ها همه نشان داد که پشتیبانی سیاسی و اجتماعی وسیعی برای قانونی شدن جنبش کمونیستی فراهم شده است.

آیا بهایم برای جوانان ایرانی داریم؟

ما از شرایطی نهایت مشکلی که جوانان ترقی‌خواه و دمکرات ایران در آن مبارزه می‌کنند آگاهیم. این مبارزه در چارچوب وضعیت منطقه بسیار اهمیت دارد. ما این مبارزه عادلانه‌ش را به دقت دنبال می‌کنیم و با آن احساس همبستگی کامل داریم. ما علاقه‌مندیم احساسات همبستگی انقلابی خود با جوانان پیشگام ایران را از طریق شما تقدیم کرده و برایشان آرزوی پیروزی‌های متعدد در تلاش برای تقویت وحدت مبارزاتی جوانان پیشرو و دمکرات ایران، در راه صلح، دمکراسی و عدالت اجتماعی کنیم.

وسیع مطبوعاتی این کنفرانس بود. متأسفانه ما رفیق بهیجه بوران را سه روز بعد از دست‌دادیم اما او حتی پس از مرگ خود نیز به مبارزه برای قانونی کردن حزب متحد کمونیست ترکیه و دمکراتیزاسیون کشور خدمت کرد. حکومت مجبور شد به برگزاری یک مجلس ختم رسمی برای او تن دهد. علت آن نیز چنین بود که وی علیرغم آن که پس از کودتای نظامی از شهروندی ترکیه محروم شده بود، ولی در سال‌های دهه ۶۰ عضو پارلمان بود. در آنکارا انیونو صدر حزب سوسیال‌دمکرات خلق، اجویت صدر حزب دمکراتیک چپ، برخی رهبران حزب راست‌گرای دمیرل، و بسیاری نمایندگان پارلمان، اعضای خانواده بوران، خویشان و دوستان او در این مجلس حدود ۲۰۰۰ نفر بودند در این مجلس شرکت کردند. به علاوه، مسئولین نتوانستند جلوی اجتماع ۲۵۰۰۰ نفری در طی تشییع جنازه وی در استانبول را بگیرند. برنامه این تشییع جنازه در روزنامه "جمهوریت" به صورت یک آگهی بامضای حیدر کوتلو و نیهات سارکین به چاپ

و بین المللی زمان است. هم اکنون مباحثه - مباحثه ای آشکار - در هر دو حزب پیرامون طرح برنامه در جریان است که به زودی به پایان خواهد رسید تا بتوانیم با آمک طرح آماج‌های سیاسی که پیش پای ما قرار می‌گیرد خود را هماهنگ سازیم. یک ارکان واحد به نام "راه نو" برای انتشار تمامی بحث‌های درونی و خارج دو حزب - آغاز به کار کرده است. این مباحثات البته بر اساس توافق فراگیر بر سراندیشه تشکیل حزبی واحد وجهات اصلی طرح برنامه جریان می‌یابند. فرا گرد وحدت در یک کنگره وحدت حزب متحد کمونیست ترکیه به نتیجه خواهد رسید که بسیاری از ویژگی‌های آن البته تابع ابتکار اخیر مبنی بر تشکیل قانونی حزب خواهد بود. طبعاً این تحولات به اشکال گوناگون در سطح جوانان نیز در حال پیش رفت هستند.

چرا دبیران کل دو حزب تصمیم به بازگشت علنی به کشور گرفتند و آخرین رخدادها در این رابطه چه بوده است؟

علت این تصمیم رهبری دو حزب دارای جوانب گوناگون است. این واقعیتی مسلم است که یک حزب کمونیست خواهان فعالیت آشکار و قانونی میان خلق است. اما در عین حال لازم بود که کمونیست‌ها بالاترین خدمت ممکن را به مبارزه برای دمکراسی و در راه اجرای موثر سیاست‌های نوین دو حزب که در طرح برنامه حزب متحد کمونیست ترکیه انعکاس یافته‌اند انجام دهند. در حقیقت این سیاست‌ها به نوبه خود به پیدایش چنان شرایطی در کشور که ضرورت چنین اقدام شجاعانه و قهور آمیز و در عین حال بسیار حساب شده و به موقع را ایجاب کرد یاری نموده‌اند. در سال‌های اخیر حزب کمونیست واقعا دست به کار چیره شدن بر وضعیت ممنوعیت و اختفای تحمیلی بر خود از طریق سیاست آشکارگرایی شد. اعتبار و قانونیت سنتی حزب کارگران ترکیه نیز طی این مدت زنده نگاه داشته شده و به اشکال گوناگون رشد داده شد. بالاخره اعلام پیروسی وحدت در یک کنفرانس مطبوعاتی مشترک بهیجه بوران، صدر حزب کارگر ترکیه، و حیدر کوتلو، دبیر کل حزب کمونیست ترکیه در بروکسل در ۷ اکتبر ۱۹۸۷ که طی آن حزب متحد کمونیست ترکیه معرفی گشته و طرح برنامه آن اعلام گشت منجر به جنب و جوش وسیعی در داخل کشور گردید که از جمله آن انعکاس

حزب کمونیست ترکیه بودند به حزب کارگر پیوستند. دفتر خارجی حزب کمونیست ترکیه - بعداً کمیته مرکزی حزب کمونیست ترکیه - علیرغم برخی اختلافات پایه‌ای میان دو حزب، حزب کارگر ترکیه را به عنوان "حزب قانونی طبقه کارگر ترکیه" مورد پشتیبانی قرار دادند. در این دوره، افکار سوسیالیستی توسط فعالیت‌های حزب کارگر ترکیه از گسترش وسیعی برخوردار شد. مثلاً حزب در ۱۹۶۵ توانست صاحب ۱۵ کرسی در پارلمان شود. اما اگر ایش‌های مختلفی در درون حزب به رقابت با یک دیگر پرداختند و این رقابت‌ها با تحولات آن زمان درون جنبش کمونیستی بین المللی نیز درهم آمیخت. مثلاً سازمان جوانان حزب کارگران ترکیه در آن زمان جذب مشی چپ‌روانه شد. در طی همین روند جهت گیری سوسیالیسم علمی در حزب تقویت شده و در کنگره چهارم آن در ۱۹۷۰ تثبیت گشت. این پیروسی توسط رژیم نظامی در فاصله سال‌های ۷۲-۱۹۷۱ قطع شد.

رهبری حزب کمونیست ترکیه در اوایل سال ۱۹۷۲ تصمیم به فعال کردن دوباره کار حزبی در داخل کشور از طریق استفاده از اشکال علنی و مخفی کاربر اساس برنامه جدید حزب گرفت و محافل گوناگون کمونیست‌ها در داخل و خارج حزب کارگران ترکیه به این تلاش‌ها پیوستند. اما این تصمیمات به آغاز کار دوباره حزب کارگر ترکیه برخورد کرد. رقابت در عرصه‌های واحد برای چند سال بر روابط میان دو حزب مسلط شد و بارها طرفین اتهاماتی را در رابطه با طرف مقابل طرح کردند. این تا ۱۹۷۹ ادامه یافت تا این که نیاز به وحدت احساس شد و اتحاد عمل معینی رشد کرد. حزب کارگر ترکیه در سال ۱۹۸۰ سیاست وحدت را به تصویب رساند.

همکاری میان دو حزب و گفتگوهای وحدت در بالاترین سطح خود به دنبال کودتای نظامی ۱۹۸۰ تسریع شد. این تصمیمات حول یافتن بهترین راه‌های وحدتی استوار بر اساس ایمان راسخ دو جانبه به ضرورت تاریخی وحدت متمرکز گشتند. این تصمیمات منجر به تنظیم طرح برنامه حزب واحدی شد که در عین ادامه مواضع برنامه‌ای دو حزب، حاوی نوسازی رادیکالی در آن بود. این برنامه در عین حال جز جدایی‌ناپذیر کنکاش جنبش بین المللی کمونیستی برای تکامل خلق مارکسیسم - لنینیسم در جهت پاسخ گویی بهتر به واقعیت‌های ملی

خواستار آزادی رهبران کمونیست‌های ترکیه شوید!

موج همبستگی با رهبران حزب کمونیست متحد ترکیه که در بازگشت شجاعانه به میهن خود دستگیر شدند، ادامه دارد. احزاب، سازمانها و شخصیت‌های معتبر بین المللی خواستار آزادی این دو رفیق شده‌اند. با «استان دادگاه امنیت دولتی آنکارا از طریق نامه، تلفن یا تلگرام تماس بگیرید و خواهان آزادی کوتلو و سارکین شوید»

Nusret Demiral
DGM (Devlet Güvenlik Mahkemesi)
Farabi Sokak
Ankara/Turkey

آدرس:

تلفن:

کد ترکیه و پس شماره‌های

۱۲۸۶۹۸۹

۱۲۸۴۷۸۸

آلمان "اثر مارکس و با شرکت مستقیم خود در بحث برنامه‌ای در تدارک کنگره ارفورت کوشید به رهبران انقلابی سوسیال دموکراسی آلمان در درک دیالکتیک مبارزه برای دموکراسی و سوسیالیسم یاری رساند. نوشته انگلس تحت عنوان "در نقد طرح برنامه سوسیال دموکراتیک ۱۸۹۱" در دهه ۹۰ مهمترین اثر درباره دیالکتیک مبارزه برای دموکراسی و سوسیالیسم بود. انگلس در این اثر، نظرات خود درباره اهمیت مبارزه جنبش کارگری آلمان برای دموکراسی را تشریح کرد. خواست جمهوری دموکراتیک، محور بررسی انتقادی او بود. وی نوشت در آلمان که "حکومت، تقریباً مطلق‌العنان، و رایشستاگ (پارلمان) و سایر ارگانهای انتخابی فاقد قدرت واقعی‌اند"، این امر ضرورت مبرم دارد که نخست نظام نیمه استبدادی و بسیار متناقض، درهم شکسته شود. در توضیح این امر انگلس تأکید می‌کرد آنچه مسلم است این است که "حزب ما و طبقه کارگر تنها در شکل جمهوری دموکراتیک می‌توانند به قدرت برسند. این جمهوری حتی شکل ویژه دیکتاتوری پرولتاریا نیز هست. این را انقلاب بزرگ فرانسه نشان داد." وی افزود از این رو مرحله مبارزه برای یک جمهوری کاملاً دموکراتیک، اجتناب‌ناپذیر است.

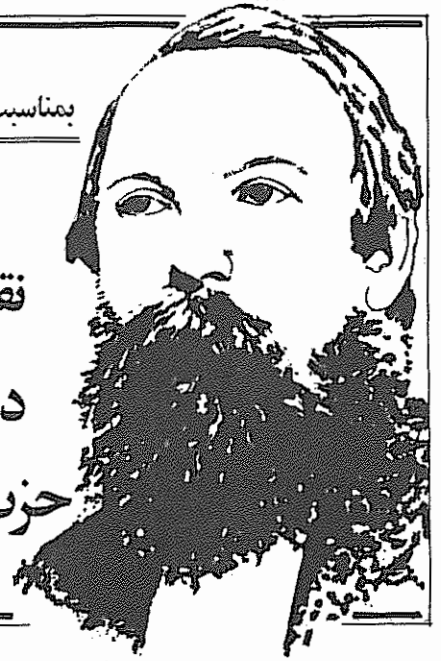
از طرح پیشنهادی انگلس در توضیح خواست جمهوری دموکراتیک تحت عنوان "تمرکز همه قدرتها سیاسی در دست نمایندگان مردم" کاملاً آشکار است که انگلس محتمل‌ترین نتیجه مبارزه را تشکیل مجلس نمایندگان واقعی مردم می‌دانست که در آن، طبقه کارگر دارای نفوذ تعیین کننده است. ماهیت طبقاتی این مجلس نمایندگان را می‌بایست نیروهای طبقاتی سهم در مبارزه برای جمهوری دموکراتیک تعیین می‌کردند. هر چه سهم طبقه کارگر بیشتر باشد، ماهیت طبقاتی این ارگان دموکراتیک تر است. سهم و جایگاه طبقه کارگر در این مبارزه، تعیین کننده علق تحول دموکراتیک جامعه و دولت است.

اعضای حزب با تصویب برنامه و قطعنامه درباره تاکتیک در کنگره ۱۸۹۱ ارفورت، از کارپایه شورویک - ایدئولوژیک برای مبارزه در راه گسترش حقوق و آزادیهای دموکراتیک و تلفیق این مبارزه با مبارزه در راه کسب قدرت سیاسی توسط طبقه کارگر، برخوردار شدند. اما در این اسناد، چشم اندازهای مبارزه در راه دموکراسی به صراحت ذکر نشد. بنابر این موضع طبقه کارگر در قبال مبارزه برای جمهوری دموکراتیک پس از کنگره ارفورت و تصویب برنامه نیز موضوع مهم بحث، هم در داخل حزب و هم میان انگلس و رهبران انقلابی سوسیال دموکراسی آلمان باقی ماند.

در آلمان، مسئولیت اصلی مبارزه برای دموکراسی بر عهده طبقه کارگر بود زیرا بورژوازی در هراس از نیرو و قدرت جنبش کارگری و به انگیزه کسب سود هر چه بیشتر، همواره آماده بود اتحاد طبقاتی ارتجاعی خود با یونکرها (ملاکین بزرگ) را تحکیم و از مبارزه برای کسب حقوق و آزادیهای دموکراتیک بیشتر چشم‌پوشی کند. انگلس بر اساس تحلیل طبقاتی از امپراتوری پروس - آلمان در دهه ۹۰ به این نتیجه رسید که به جز حزب کارگری، هیچ حزب دیگری قادر نبود رهبری مبارزه برای دموکراسی را عهده دار شود. نظام احزاب سیاسی در آلمان به گونه‌ای بود که سایر

بمناسبت صد و شصت و هفتمین زادروز فردریش انگلس

نقش انگلس در تدوین استراتژی انقلابی حزب سوسیال دموکرات آلمان



ابزارهای معمول حقوقی با ما مقابله کند، پس ما هم فعلاً واپیل قانونی را که به کمک استفاده شدید از وسایل غیر قانونی، دوباره کسب کرده‌ایم، خواهیم آزمود." در این رابطه، انگلس حزب را از دو خطر بر جذر می‌داشت: حزب از یک سو نباید تحریک شده، دست به کودتا بزند، بلکه باید از قانونیت بدست آمده، ماهرانه برای آماده کردن طبقه کارگر جهت نبرد نهایی استفاده کند. از سوی دیگر حزب نباید این امر را از نظر دور بدارد که طبقات حاکم مرکز از کاربرد قهر چشم نخواهند پوشید. اما آنچه حتمی است، این است که امپراتوری آلمان برای بار دوم به قانون مقررات فوق العاده متوسل نخواهد شد.

انگلس، حزب را به مبارزه برای حفظ و گسترش حقوق و آزادیهای دموکراتیک فراخواند، و نوشت مبارزه برای دموکراسی باید با هدف برقراری جمهوری دموکراتیک پیش برده شود. انگلس نیز مانند مارکس جمهوری دموکراتیک را مناسب‌ترین شکل دولت می‌دانست که در آن مبارزه تعیین کننده میان بورژوازی و پرولتاریا می‌توانست انجام پذیرد. مارکس و انگلس به همین دلیل مبارزه در راه این جمهوری را یابکاری برای عرصه مبارزه‌ای می‌دانستند که "در آن جنگ نهایی میان بورژوازی و پرولتاریا انجام خواهد گرفت"، پیکاری انقلابی بر سر میدان مناقشه تعیین کننده طبقاتی در جامعه سرمایه‌داری. مبارزه برای دموکراسی در عین حال، یک مکتب مهم انقلابی برای پرولتاریا بود و این امکان را فراهم می‌آورد که توده پرولترها در جنبش انقلابی شرکت داده شده، اساساً برای مبارزه در راه کسب قدرت سیاسی آماده شوند. این مبارزه علاوه بر این، این امکان را می‌کشد که نیروهای دموکرات و انسان دوست خلق به متحدان پرولتاریا، تبدیل شوند، به تدابیر پیگیر انقلابی جلب گردند و از حیله نفوذ نیروهای ارتجاعی و ضد دموکراتیک بیرون آیند.

انگلس پی برده بود که درک روشن و همه جانبه از اوضاع جدید و تعیین استراتژی و تاکتیک درست مبارزه برای دموکراسی، در آغاز دهه ۹۰ شرط اصلی تدوین برنامه سوسیال دموکراسی آلمان بود. انگلس با انتشار "حاشیه‌هایی بر برنامه حزب کارگر

۲۸ نوامبر اسال، ۱۸۶۷ سال از تولد فردریش انگلس گذشت. وی که در مدتی نزدیک به چهل سال، در کنار کارل مارکس رهبری فکری و عملی جنبش نویای طبقه کارگر بین‌المللی را بر عهده داشت، پس از مرگ مارکس در سال ۱۸۸۲، نقش تعیین کننده‌ای در پیوند دادن جنبش کارگری و مارکسیسم، در تدوین استراتژی انقلابی پرولتاریا و در مبارزه با ابورتونیسم ایفا کرد. برای گرامسک داشت زادروز انگلس، بخشی از مقاله‌ای درباره فعالیت انگلس پس از ۱۸۹۰ را که از کتاب "برنامه حزبی انقلابی - وحدت کارگری انقلابی" نوشته گروهی از دانشمندان اتحاد شوروی و آلمان دموکراتیک، ترجمه کرده‌ایم، درج می‌کنیم. "اکثریت" پیتی از این، از همین کتاب، مقاله "تدوین نخستین برنامه حزب سوسیال دموکرات کارگری روسیه" را در دو شماره چاپ کرده است.

* * *

با سرنگونی بیسمارک و به ویژه لغو "قانون سوسیالیستها" (که فعالیت سوسیالیستی را ممنوع کرده بود - م. م.)، تحولات عمده‌ای در شرایط مبارزه طبقاتی پدید آمده بود که تکامل بخشیدن به سلاح "استراتژی و تاکتیک" را ضروری کرد. این ضرورت پدید آمده بود که از شرایط مساعدتر فعالیت حزب سوسیال دموکرات که در مبارزه کسب شده بود، برای ادامه تقویت و تحکیم حزب و برای گسترش نفوذ سوسیال دموکراسی انقلابی آلمان استفاده شود. رهبران سوسیال دموکراسی آلمان در برابر این وظیفه قرار داشتند که وضعیتی را که جدیداً ایجاد شده بود، به دقت تحلیل کنند و به تدقیق استراتژی و تاکتیک مبارزه طبقاتی مطابق با شرایط جدید بپردازند. انگلس در انجام این وظیفه به آنها کمک بسیاری کرد. نقطه حرکت نظریات او در تحلیل شرایط جدید مبارزه طبقاتی این بود که پیروزی سوسیال دموکراسی آلمان بر بیسمارک اگر چه طبقه حاکم را با گسستی جدی مواجه کرده بود، اما سیاست و برخورد طبقه حاکم در قبال طبقه کارگر را اساساً تغییر نداد. انگلس در نامه‌های اخلاقی به خوانندگان "سوسیال دموکرات" نوشت: "حکومت امپراتوری فعلی خواهد پکوشد با

نیروهای دمکراتیک موجود یعنی بخشهای خرده بورژوا و بورژوازی مردم علفا فادیک ستاد رهبری به صورت یک حزب دمکراتیک بودند. تنها حزب دمکراتیک واقعی در آلمان، حزب کارگری بود. بنابر این، طبقه کارگر تنها طبقه ای بود که در مبارزه برای حقوق و آزادیهای دمکراتیک و در مبارزه برای جمهوری دمکراتیک، از یک رهبری برخوردار بود. این واقعیت، بر مسئولیت ملی طبقه کارگر و حزبش می افزود و تأثیر عمده ای بر خصلت جنبش دمکراتیک و ماهیت دولت دمکراتیکی که می بایست برقرار می شد، داشت. انگلس نوشت: "تاریخ کاملاً رسمی آلمان، صرف نظر از فعالیت دارودسته بسیار ملونی که دور ویلهلم جوان را گرفته و او را سرانگشت می گرداند، از یک سو توسط فعالیت سوسیالیستی تبیین می شود که همه احزاب بورژوازی را متحد کرده و به صورت یک حزب بزرگ مقابله میرف درمی آورد، و از سوی دیگر توسط بازی منافع متضاد این احزاب که آنها را از هم جدا می دارد که باز از هم جدا شوند. قانونگذاری رایشستاگ (پارلمان)، تنها مولود و نتیجه این برخورد دو گرایش متضاد است. از این دو گرایش، گرایش دوم، یعنی گرایش تلاشی، هر چه ضعیف تر می شود."

ضرورت مشخص کردن تصورات درباره راهی که می بایست در مبارزه پرولتاریا برای قدرت سیاسی، و در ارتباط با آن، روشن کردن موضع طبقه کارگر در قبال مبارزه برای دمکراسی و در قبال جمهوری دمکراتیک در پیش گرفته می شد، از این رونیز بسیار ضروری بود که نه تنها در آلمان، بلکه در سایر کشورهای اروپایی نیز نیروهای اپورتونیست در احزاب کارگری بیش از پیش پدیدار می شدند. این نیروها به ویژه با محتوای انقلابی مبارزه احزاب مارکسیست کارگری در راه دمکراسی و سوسیالیسم مخالفت می ورزیدند و می کوشیدند این توم را به میان جنبش کارگری برند که می توان با کمک، و عملاً با کارکردانی حکومت هر کشور، سوسیالیسم را از راه

فرمها و یا تنها با طرق پارلمانی برقرار کرد... در آلمان، فولمار و طرفدارانش می کوشیدند حزب را از مبارزه انقلابی منحرف کنند و به راهی رفرمیستی بکشاند. فولمار این تز را ترویج می کرد که تحولات پس از لغو "قانون سوسیالیستها" به گونه ای است که امکان بهبود اساسی وضع طبقه کارگر و برقراری سوسیالیسم از طریق اصلاح نظام دولتی و اجتماعی موجود، هم در عرصه سیاسی و هم در عرصه اقتصادی، از طریق پارلمانی و مذاکره با حکومت موجود، فراهم آمده است. فولمار به حزب توصیه می کرد از آنجا که گویا "مخالفت اساسی با هرگونه سیاست تحول و رفرم" در هم شکسته شده، طبق شعار "دست حسن نیت را بفشاریم" عمل کند، از آن پس نیروی خود را بر "نزدیک ترین و میرم ترین امور" متمرکز سازد و "گاه برنامه های عمل اثباتی" مطرح نماید. این سیاست گامهای کوچک که به حزب پیشنهاد می شد، براساس این نظریه اپورتونیستی استوار بود که تکامل جامعه هیچ گاه انقلابی و در "دگرگونیهای ناگهانی و بلافاصله" نیست، بلکه همواره تدریجی، کند و با "رشد حتمی به سمت جدید" صورت می گیرد.

این تئوریهای اپورتونیستی راست، نه تنها هدف نهایی مبارزه طبقاتی پرولتری و برپایی

دیکتاتوری پرولتاریا، بلکه همچنین نفی مبارزه انقلابی برای جمهوری دمکراتیک، برای آزادیها و حقوق دمکراتیک را بازتاب می دادند. با توجه به تحول آن زمان سرمایه داری به سمت امپریالیسم و در این رابطه، بحران دمکراسی بورژوازی و تبدیل پیش رونده آن به "ارتجاع در همه عرصه ها"، کم بهادادن به مبارزه در راه تحول دمکراتیک، عواقب وخیمی داشت. تئوریهای اپورتونیستی راست، به توم شوم درباره "دمکراسی برکه رای" دامن می زدند و ماهیت طبقاتی دمکراسی را به کلی مکتوم می گذاشتند...

انگلس در مقدمه ای که بر چاپ سوم "جنگ داخلی در فرانسه" اثر مارکس، به زبان آلمانی، نوشت، تجارب مبارزه طبقه کارگر در بیست سال پس از کمون پاریس را تعمیم داد و ثابت کرد که هم در سلطنت و هم در جمهوری بورژوازی، دولت در واقع امر چیزی جز "دستگاهی برای سرکوب یک طبقه توسط دیگری" نیست. بنابر این آنچه مهم است، ماهیت طبقاتی جمهوری و بطور کلی هر دولت است. بنابر این، این یک توم است اگر تصور شود که می توان با کمک این دولت، خواه جمهوری بورژوازی و خواه سلطنت بورژوازی - بیونکری، می توان جامعه سوسیالیستی را ساخت. انگلس از نظریه مارکسیستی ضرورت درهم شکستن دولت ارتجاعی و برپایی دیکتاتوری پرولتاریا دفاع و در این زمینه به سرتق و درسهای مبارزه کمون پاریس اشاره کرد. انگلس نوشت: "مسلطه کاران آلمانی اخیراً باز از اسم دیکتاتوری پرولتاریا دچار هراس شومی شده اند... بسیار خوب آقایان، می خواهید بدانید این دیکتاتوری چیست؟ به کمون پاریس بنگرید. کمون پاریس، دیکتاتوری پرولتاریا بود."

بدین ترتیب انگلس در اوایل دهه ۹۰ این وتلیف را در برابر خود قرار داد که هم با بر بهادادن به جمهوری بورژوازی و انکار ضرورت برپایی دیکتاتوری پرولتاریا و هم با کم بهادادن به جمهوری دمکراتیک در مبارزه راهی بخش پرولتاریا مبارزه کند. در این رابطه، خدمت بزرگ انگلس این بود که به جنبش کارگری آلمان و جهان، در دوره انجام گذار از مرحله ماقبل انحصاری به مرحله رشد انحصاری سرمایه داری، ضرورت مبارزه برای جمهوری دمکراتیک و دفاع از حقوق و آزادیهای دمکراتیک و رابطه متقابل میان مبارزه برای دمکراسی و سوسیالیسم را گوشزد کرد.

این خدمت انگلس را نباید تنها از جنبه سیاسی ذکر شده، دید. این کار، در عین حال، یک کار و کمک عظیم تئوریک برای سوسیال دمکراسی آلمان بود. تحلیل علمی اوضاع در آغاز دهه ۹۰ و کشف دیالکتیک پیچیده مبارزه برای دمکراسی و سوسیالیسم در این دوره، به رهبران انقلابی سوسیال دمکراسی کمک کرد به نتیجه گیریهای نوبنی برسند. این کار بر غنای تئوری مارکسیستی انقلاب افزود. هر چه درباره این کار تئوریک بگوئیم، کم گفته ایم، زیرا شرایط نوین مبارزه طبقاتی دقیقاً در برابر مبارزه تئوریک و آگاهانه بودن همه اقدامات پرولتاریا ضروریات نوین و عالی تری نهاده بود...

انگلس در مقالات خود بارها به آن احکام کمونیس علمی که درستی آن را مبارزه کمون پاریس به روشنی نشان داده بود، اشاره می کرد. از آن جمله بود این حکم که دولت بورژوازی، صرف نظر از شکلی که به خود می گیرد، دستگاهی در دست طبقات حاکم برای

سرکوب سایر طبقات است و درهم شکستن این ماشین قدرت طبقات حاکم توسط طبقه کارگری که قدرت سیاسی را کسب کرده، و برپایی دیکتاتوری پرولتاریا، شرط تعیین کننده تثبیت و تحکیم پیروزی طبقه کارگر است. از آن جمله بود این حکم که طبقه کارگر تنها زمانی می تواند پیروزمند باشد که توسط حزبی مارکسیستی رهبری شود. کمون پاریس نشان داده بود که "زمان کسب قدرت و انقلابی که توسط اقلیت های آگاه در راس توده های ناگاه صورت می گرفت، گذشته است. آنجایی که سخن بر سر تحول کامل سازمان اجتماعی است، خود توده ها باید سهم باشند و خود دریافته باشند که موضوع از چه قرار است و برای چه جانفشانی می کنند." انگلس افزود برای اینکه توده ها دریابند چه باید کرد، کار پیگیری ضروری است. این کار برعهده حزب طبقه کارگر است. حزب باید از یک سورد میان طبقه کارگر، کار روشنکارانه را تقویت کند، و از سوی دیگر تلاشهای خود برای جلب سایر اقشار و طبقات زحمتکش به این مبارزه را مضاعف سازد. عظمت تاریخی کمون پاریس به ویژه به علت خصلت بین المللی آن و اعلان جنگ شجاعانه آن به هر گونه ناسیونالیسم و شوونیسم بورژوازی بود. انگلس تربیت طبقه کارگر با روح انترناسیونالیسم پرولتری را وظیفه مقدم همه احزاب مارکسیستی می دانست و به وحدت جنبش بین المللی پرولتری همواره به مثابه مهمترین شرط موفقیت طبقه کارگری نگریست. او با غرور، رشد انترناسیونال را که در سال ۱۸۸۹ بنیان گذاشته شد، دنبال می کرد. انگلس در پیام خود به مناسبت بیست و یکمین سالگرد کمون پاریس نوشت: "از صدها هزاران و از هزاران، میلیونها پدید آمدند و به دعوت ما پاسخ دادند. اتحاد پرولتاریای جهانی که انترناسیونال اول آن را پیش بینی می کرد و تدارک آن را می دید، امروز یک واقعیت است..."

انگلس به رهبران انقلابی حزب سوسیال دمکرات در مبارزه تئوریک و ایدئولوژیک بدین گونه یاری رساند که با نمونه ای مشخص، نشان داد که چگونه باید با حرکت از ضروریات مبارزه طبقاتی و بر پایه مارکسیسم، عرصه های مهم استراتژیک و تاکتیک را تکامل بخشید. در این رابطه به اثر انگلس تحت عنوان "مسئله دهقانی در فرانسه و آلمان" اشاره می کنیم. انگلس با این اثر مستقیماً در مبارزه با نظرات اپورتونیستی درباره مسئله دهقانی شرکت کرد و تذکرات مهمی برای حل این مسئله داد. انگلس با گسترش اندیشه های اصلی درباره تحول و دگرگونی واحدهای دهقانی در شرایط حاکمیت سیاسی طبقه کارگر و گذار به جامعه کمونیستی و تشریح چشم اندازهای سوسیالیستی کشاورزی، با قاطعیت حتمات اپورتونیستی به مبانی تئوریک جنبش انقلابی کارگری را دفع کرد. وی در عین حال این نظریه سکتراریستی را که اتحاد با دهقانان را به کلی رد می کرد، افشا کرد.

انگلس پی برده بود که تحول شرایط مبارزه طبقاتی نه تنها امکان شناختهای جدید در باره قانونمندیهای مبارزه انقلابی را فراهم کرده بود، بلکه همچنین اوضاع جدید می بایست به بحث جدیدی نیز در درون جنبش کارگری تک تک کشورها درباره راه طبقه کارگر به سوی قدرت و نیز کارآیی این یا آن شکل مبارزه می انجامید. وی در مقدمه ای که بر چاپ

نقش انگلس در تدوین

بقیه از صفحه قبل

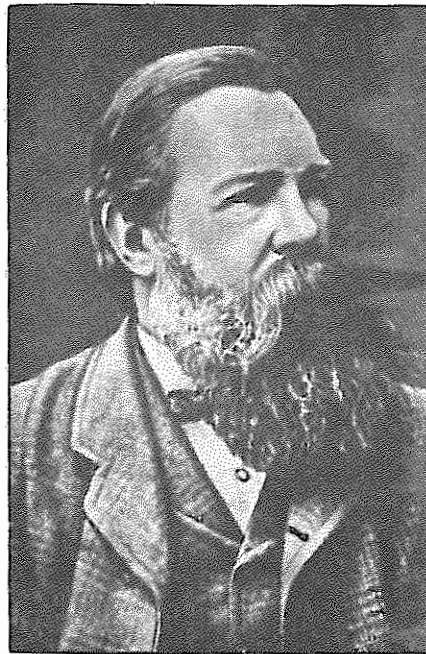
جزوه "مبارزات طبقاتی در فرانسه" اثر مارکس نوشت، شرایط نوین مبارزه طبقاتی را تحلیل و اشکال آزموده مبارزه را با تجارب جدید مقایسه کرد. وی در این رابطه به ضرورت تکامل بخشیدن به اشکال مبارزه اشاره نمود.

انگلس با حرکت از این شناخت که مبارزه طبقه کارگر برای تحقق رسالت تاریخی خویش، روندی توأم با مبارزه ای سخت و طولانی است و طبقه کارگر بدون جلب توجه عظیم خلق به مبارزه، نخواهد توانست به پیروزی پایدار دست یابد، به تحلیل تاکتیک پارلمانی پرداخت. این شیوه مبارزه به ویژه از سوی حزب کارگری آلمان تدوین و ماهرانه به کار برده شده بود. انگلس، شرکت طبقه کارگر در پارلمان بورژوازی را امکان مساعدی برای گردآوری نیروهای جنبش انقلابی می دانست. وی در حق رای همسانی معیاری برای سنجش اقدامات و وسیله ای برای جلب توجه ها می دید.

انگلس نوشت: "دیدیم که نهادهای دولتی ای که حاکمیت بورژوازی خود را در آنها سازمان می دهد، حاوی ابرارهایی نیز هست که با کمک آنها طبقه کارگر می تواند دقیقاً به مبارزه با همین نهادهای دولتی بپردازد. (سوسیالیستها) در انتخابات پارلمان های ایالتی، شوراهای شهر و محاکم کار شرکت کرده، در مبارزه برای هر سنگری که بخشی مکی از پرولتاریا در اشغال آن سهم داشت، با بورژوازی به مقابله برخاستند. بدین ترتیب کار به جایی رسید که بورژوازی و حکومت از اقدامات قانونی حزب کارگری بیش از اقدامات غیرقانونی آن، از موفقیت هادر انتخابات بیش از موفقیت هادر شورش به هراس افتادند."

انگلس در نامه های خود به رهبران سوسیال دمکراسی آلمان اکیداً هشدار می داد که مبادا آنها به دلیل ضروریات بحث های پارلمانی پیوسته تاکید کنند که سوسیال دمکراسی تنها در چارچوب قانونیت مبارزه می کند. وی نوشت پرولتاریا در چارچوب قانونیت بورژوازی به قدرت نخواهد رسید، و نتیجه گرفت: "قانونیت تا آن زمان و تا آن حدی که به سود ما باشد، اما نه قانونیت به هر قیمت حتی در حرف هم نه!" پرولتاریا تنها با شکستن قانونیت بورژوازی و برقراری قانونیت پرولتری به قدرت خواهد رسید. هر گونه پربها دادن به "قانونیت" مبارزه به توهّمات خطرناکی خواهد انجامید.

طبقه کارگر در مبارزه آشکار انقلابی باید از چه شکل مبارزه بهره گیرد؟ در انقلاب ۴۹-۱۸۴۸ این "مبارزه خیابانی و سترسازی بود که ... سرنوشت را تعیین کرد". انگلس در مقدمه ای که بر اثر پیش گفته مارکس نوشت به بررسی نقش این شکل مبارزه که تا سال ۱۸۴۸ به کار برده می شد، در درگیری های آتی مسلحانه پرداخت و به این نتیجه رسید که "شورش به سبک کهنه، مبارزه خیابانی و سترسازی دیگر کهنه شده" است. وی افزود: "شرایط جنگ مردمی تغییر کرده، اما شرایط مبارزه طبقاتی بلا تغییر مانده است." شرایط مبارزه طبقاتی به سبک قدیم، به میزان زیادی "به سود ارتش" تغییر کرده و



"در همه جا اقدام ناگهانی به عمل، نقش خود را از دست داده است." انگلس نوشت انقلاب های آتی باید انقلاب هایی بوده ای باشند، زیرا یک چیز روشن است: بدون اقدام آگاهانه توده ها، برای انقلاب پرولتری آینده هیچ پیروزی پایدار می ممکن نیست.

از این رو تحت این شرایط مبارزه، این امر اهمیت فوق العاده دارد که ارتش در جنبش انقلابی چه موضعی اتخاذ می کند. طبقه کارگر باید دست به هر اقدامی بزند تا ارتش را از وسیله ای در دست طبقات حاکم به ابزاری در دست انقلاب پرولتری متحول کند. انگلس نوشت البته در شرایط جدید مبارزات خیابانی کاملاً منتهی نیست، اما جایگاه آن در روند مبارزات انقلابی تغییر کرده است، به

انگلس درباره اندیشه اصلی مانیفست، نخستین سند برنامه ای کمونیستها

این اندیشه می گوید که در هر دوران تاریخی، شیوه تولید و مبادله اقتصادی مسلط و تقسیم بندی اجتماعی ای که ضرورتاً از آن ناشی می شود، مبنایی را تشکیل می دهد که تاریخ سیاسی و فکری این دوران بر آن استوار است و این تاریخ را تنها می توان بر اساس آن توضیح داد؛ که کل تاریخ بشریت (از هنگام الغای نظم عشیرتی، اولیه با مالکیت عمومی آن بر زمین) تاریخ مبارزات طبقاتی بوده است، مبارزات میان طبقات استثمارگر و استثمار شده، حاکم و محکوم؛ که تاریخ این مبارزات طبقاتی به صورت یک سیر تکاملی است که در آن اکنون مرحله ای رسیده است که طبقه استثمار شده و تحت ستم، پرولتاریا، نمی تواند به رهایی خود از یوغ طبقه استثمارگر و حاکم، بورژوازی، دست یابد، مگر اینکه همزمان با آن کل جامعه را یک بار برای همیشه از هر گونه استثمار و ستم، از هر گونه تمایزات طبقاتی و مبارزات طبقاتی نجات دهد.

نوشته انگلس، این گونه مبارزات "کمتر در آغاز انقلابات بزرگ، بلکه بیشتر در مراحل بعدی چنین انقلاباتی پیش خواهد آمد. علاوه بر این، چنین مبارزاتی باید "با نیروهای بیشتری" انجام پذیرد و "حمله آشکار در برابر تاکتیک انفعالی سترسازی مرجع شمرده شود".

مقدمه انگلس بر "مبارزات طبقاتی در فرانسه" به رهبران و نیروهای انقلابی سوسیال دمکراسی نشان داد که احزاب، در مورد مسئله شیوه ها و اشکال مبارزه، باید انعطاف پذیر باشند، اما شکل درست مبارزه پرولتری تنها به شرطی یافت خواهد شد که حرکت از شرایط عینی و قانونمندی های اصلی مبارزه طبقاتی آغاز شود. از این رو به هیچ وجه تصادفی نیست که انگلس در همان آغاز مقدمه خود، به دانش ماتریالیستی تاریخ اشاره می کند. وی دقیقاً از این روال کار مارکس قدر دانی می کند که مارکس توانست در میان مجموعه متنوعی از رویدادهای سیاسی در طول سالها "رابطه درونی علت و معلول را نشان دهد، ... یعنی پدیده های سیاسی را با تأثیرات عوامل اقتصادی که در تحلیل نهایی تعیین کننده اند، توضیح دهد."

اشاره انگلس به نظریه ماتریالیستی در باره تاریخ - تذکری که موضوع محوری نوشته های موسوم به نامه های سالهای پیری او را نیز تشکیل می دهد - اهمیت تعیین کننده ای داشت. مسئله اشکال و شیوه های مبارزه تنها می توانست از موضع ماتریالیسم تاریخی به درستی حل شود. نقش فزاینده عامل ذهنی در روند انقلابی، تنها می تواند از موضع دیالکتیکی - ماتریالیستی به درستی ارزیابی گردد. مبارزه انگلس برای به کرسی نشاندن ماتریالیسم دیالکتیک در جنبش انقلابی کارگری، اهمیت واقعاً تاریخی داشت. همانگونه که بعدها روشن شد، رویزیونیسم در جنبش کارگری دقیقاً با تجدید نظر در جهان بینی ماتریالیستی آغاز شد. و رویزیونیسم از جمله بدین علت نیرو گرفت که حتی رهبران برجسته سوسیال دمکراسی، به نقش جهان بینی ماتریالیستی کم بها می دادند.



توافقی شواردناده و شولتز

ادوارد شواردناده و جرج شولتز وزرای خارجه شوروی و آمریکا پس از مذاکرات دوازده روزه در ژنو اعلام کردند همه مسائل مورد اختلاف پیرامون قرارداد محو سلاحهای میانبرد هسته‌ای حل شده است. متن قرار داد در دیدار ماه دسامبر میخائیل گرباچف از واشنگتن به امضای سران دو کشور خواهد رسید.

به گزارش خبرگزاری شوروی تاس، دفتر سیاسی حزب کمونیست اتحاد شوروی طی اجلاس هفتگی خود از توافق ژنو استقبال کرد.

گزینش لی پنگ به نخست وزیر چین

لی پنگ به ست نخست وزیر جدید چین برگزیده شد. وی پس از گزینش خود به این ست اعلام کرد در راه ادامه پیکار اجرای اصول سوسیالیسم در سیاست چین خواهد کوشید. وی اهداف دولت خود را تحقق مصوبات سیزدهمین کنگره حزب کمونیست چین، ادامه سیاست اصلاحات و گشایش و نیز تأمین ثبات و وحدت داخلی چین اعلام کرد.

لی پنگ در سال ۱۹۲۸ در چنگ‌دو، پایتخت استان سچوان واقع در مرکز چین متولد شد. پدر وی در سال ۱۹۲۱ توسط ارتجاع به قتل رسید. لی پنگ بسیاری از سالهای کودکی خود را در خانواده چوئن لای نخست وزیر پیشین چین گذراند. وی در سال ۱۹۴۵ پس از پایان تحصیلات خود به عضویت حزب کمونیست چین درآمد. پنگ در سال ۱۹۴۸ به مدت شش سال برای تحصیل در انستیتوی تکنولوژی انرژی مسکو به اتحاد شوروی رفت. وی در این مدت دبیر سازمان حزبی و رهبر گروه دانشجویان چینی در اتحاد شوروی بود. لی پنگ پس از بازگشت به داخل کشور مسئولیت‌های مهمی در صنایع انرژی چین به عهده گرفت. وی در سال ۱۹۸۱ به عنوان وزیر انرژی برق برگزیده شد. دوازدهمین کنگره حزب کمونیست چین لی پنگ را به عضویت کمیته مرکزی حزب کمونیست چین برگزید. وی در سال ۱۹۸۵ به عضویت دفتر سیاسی و دبیرخانه کمیته مرکزی درآمد. در نخستین پلنوم پس از کنگره ۱۲ در ماه نوامبر امسال، وی به عنوان عضو کمیته دائمی دفتر سیاسی انتخاب شد.

اخبار کوتاه

● در روز چهارشنبه ۲۵ نوامبر هجدهمین کنگره حزب کمونیست ژاپن با شرکت بیش از هزار نماینده آغاز به کار کرد. کنی نیوماتو صدر کمیته مرکزی حزب در سخنرانی افتتاحیه کنگره، مبارزه در راه صلح و خلع سلاح را مهمترین وظیفه حزب دانست.

● مجلس ملی نیکاراگوئه قانون عفو را که شامل بخشی از زندانیان این کشور می‌شود، تصویب کرد. بدنبال این امر، ۹۸۴ زندانی که اکثر آنها را اعضای گروههای ضدانقلابی تشکیل می‌دادند، از زندان آزاد شدند.

● شامگاه پنجشنبه ۱۹ نوامبر ۲۴۰ هزار نفر در سانتیاگو پایتخت شیلی علیه رژیم پینوشه دست به تظاهرات زدند. مردم در این تظاهرات خواهان برگزاری انتخابات واقعی به جای "همه‌پرسی" مورد نظر پینوشه شدند.

ابر از خوش بینی مقامات شوروی در مورد حل سیاسی مسئله افغانستان

غیرمستقیم افغانستان و پاکستان در اوایل ۱۹۸۸ ژنو، آخرین دور آن باشد. به گفته روگاف، دیه‌گو کوردوز نماینده دبیر کل سازمان ملل متحد به زودی برای تعیین موعد دور بعدی مذاکرات به پاکستان و افغانستان سفر خواهد کرد. روگاف افزود مواضع دو طرف به هم نزدیک شده‌اند و امکان تعیین برنامه زمانی قطعی برای فراخواندن نیروهای شوروی از افغانستان، به شرطی که پاکستان حاضر به توافق باشد، فراهم آمده است.

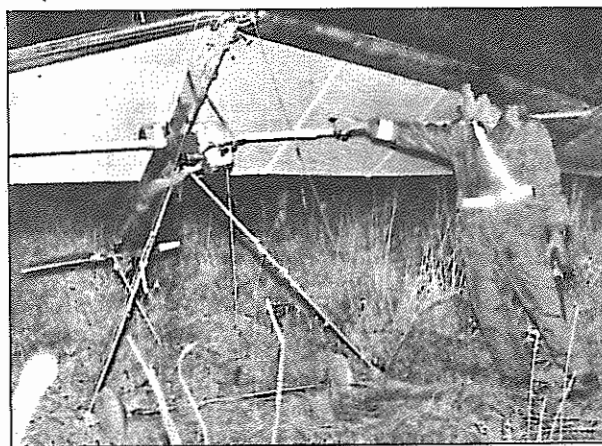
نیکلای ریشکف نخست وزیر اتحاد شوروی در دیدار از هند اظهار داشت: "ما همچنان با خوش بینی به چشم انداز حل سیاسی مسئله افغانستان می‌نگریم." وی افزود رهبری افغانستان اندیشه اشتلافي با شرکت چند حزب و با وجود یک رئیس جمهور غیر حزبی را پذیرفته است. ریشکف این سؤال را مطرح کرد که پاکستان برای حل مسئله چه کرده است. ایگور روگاف معاون وزیر امور خارجه شوروی اظهار امیدواری کرد که دور بعدی مذاکرات

۲۰ میلیون ایتالیایی در اعتصاب

اعتصاب در ایتالیا، بخش اعظم موسسات تولیدی و خدماتی را در این کشور فلج کرد. رفت و آمد هواپیماها و قمارها مختل شد. دولت ایتالیا به بهانه مبارزه با تورم، از پرداخت کمک هزینه‌های رفاهی و افزایش مبالغ آن سرباز می‌زند. بدین گونه، بار بحران به دوش فقیرترین اقشار مردم منتقل شده است. در اعتراض به این بی‌عدالتی، از آغاز پاییز امسال موجی از اعتصابات موضعی ایتالیا را فرا گرفته است. فرودگاه فیومچینی رم از دو ماه پیش عملاً از کار باز ایستاده است. همچنین اخیراً تحریریه‌های خبرگزاری‌ها، مطبوعات و رادیو تلویزیون دست به اعتصاب زدند.

نزدیک به ۲۰ میلیون تن از حشکشان ایتالیا در روز چهارشنبه ۲۵ نوامبر به دعوت سه اتحادیه کارگری بزرگ این کشور در یک اعتصاب عمومی و سراسری شرکت کردند. در ۵۰ شهر، راهپیمایی‌ها و گردمایی‌هایی در اعتراض به طرح بودجه ۱۹۸۸ ایتالیا برپا شد. خواست اعتصاب، پس گرفتن طرح حذف بخشی از بودجه امور رفاهی و اجتماعی از سوی دولت بود. اعتصاب کنندگان خواهان این شدند که اولویت در بودجه به ایجاد مشاغل و رشد اقتصادی جنوب ایتالیا از طریق سرمایه‌گذاریهای هدفمند اختصاص یابد. جنوب ایتالیا در مقایسه با شمال این کشور از لحاظ اقتصادی و رفاهی بسیار عقب مانده‌تر است.

عمل قهرمانانه یک چریک فلسطینی



"کایت"ی که چریک فلسطینی با آن وارد اسرائیل شد

موفقیت بزرگی برای مبارزان فلسطینی است. همچنین ضربه‌ای که مبارز فلسطینی با به هلاکت رساندن ۶ تن از افراد دشمن به صهیونیستها وارد آورد، با توجه به برتری تسلیحاتی مطلق صهیونیستها، در نوع خود کم نظیر است. افسانه "شکت‌ناپذیری" ارتش اسرائیل بار دیگر درهم شکست. بیهوده نیست که پس از اقدام قهرمانانه چریک فلسطینی، مقامات اسرائیلی برای توجیه شکست نظامی خود شدیداً به دست و پا افتاده‌اند.

برای مقابله با حملات انتقامجویانه احتمالی صهیونیستها، اردوگاههای فلسطینی در لبنان به حالت آماده‌باش درآمدند.

در نخستین ساعات روز پنجشنبه ۲۶ نوامبر (۵ آذر)، یکی از اعضای "جبهه خلق برای آزادی فلسطین - فرماندهی کل" (به رهبری احمد جبریل) به وسیله یک "کایت" موتوری از لبنان به عمق قلمرو اسرائیل نفوذ کرد. وی در نزدیکی یک پادگان ارتش صهیونیستی فرود آمد و در یک نبرد قهرمانانه با مزدوران، شش تن از آنان را کشته و هفت نفر دیگر را مجروح کرد. چریک فلسطینی، در این نبرد خود نیز از پای درآمد و صفحه‌ای دیگر بر تاریخ مبارزات حماسی خلق فلسطین با اشغالگران افزود.

عبور از مرزهای شمال اسرائیل که بطور شبانه‌روزی از زمین و هوا تحت مراقبت قرار دارد و صهیونیستها آن را "نفوذناپذیر" می‌دانستند،

با جمع آوری کمک مالی
 فدائیان خلق را در انجام
 وظایف انقلابی
 یاری دهد